تنبیه الغافل

بهاء الدین سرهندی

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب تنبیه الغافلین

مؤلف بهاءالدین سرهندی

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۶۵۵۰

شماره ثبت کتاب ۲۰۷۷۱۵





هذا

رسالهٔ تنبیه الغافلین

وبه بسم الله الرحمن الرحیم نستعین

الحمد لله الذی امرنا بالعلم والطهارة ونهینا عن الجهل والضلالة وصلی
الله علی محمد واله واولاده وعترته الطیبین الطاهرین اما بعد چنین گوید مؤلف
این رساله ومحرر این مقاله الفقیر الحقیر الواثق بالفضل بهاء الدین
محمد ابراهیم السرهدی که عزیزی از برادران دینی واخوان یقینی که همگی همت
خود بر کسب سعادت وعلوم دینی معطوف داشت جز خلوص این کمینهٔ
بی بضاعت روا داشتند از کمال اخلاص ووفور اختصاص از این ضعیف
التماس نمودند که از برای این مستمندان نسخهٔ تحریر وترقیم کن که
بوسیلهٔ آن در علم وطاعت وعبادت بیفزاییم واز جهالت وخطا بپرهیزیم
وسبب ترقیب باشند بر صفحهٔ صحیفهٔ روزگار بماند مزین بآیات
قرآن واحادیث جناب پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه واله وسلم تا برای
مؤمنین ومؤمنات ومسلمین ومسلمات حجت قاطع باشد هر چند که این
بندهٔ کمینه کار خود را در آن مرتبه وصدد نمیدید که بدین معنی جرأت

واقدام

واقدام نماید وخود را از مقیدان این شمرد فاما چون حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله وسلم فرموده است که اذا سئل عن علم من یعلمه فکتمه الجم یوم القیامة بلجام
من النار حقیر خواست که از زمرهٔ این طایفه نباشد که در حدیث شریف از ان
ایشان خبر میدهد ونیز بحکم این حدیث که العلم لا یحل منعه بر خود فرض عین
دانسته وبدین سبب در ضبط وترتیب وترکیب این رسالهٔ تنبیه الغافلین
شروع کرد ومرتب ساخت مقدمه ونه باب وخاتمه واین رساله را بالفارسی
گردانید تا خواص وعوام معنی این رساله را دریابند وسودمند گردند
وحضرت حق تعالی جل جلاله وعم نواله بر خوانندهٔ ونویسندهٔ ودانندهٔ
ورسانندهٔ وشنوندهٔ ویادگیرندهٔ وعمل کنندهٔ ومؤلف این رساله را رحمت
کناد وهو ولی الاجابة مقدمه در طلب علم باب اول در بیان فضیلت علم وعلما
وغیره باب دوم در بیان فضیلت نماز وثواب آن وعقاب تارک او باب سیم
در بیان مانع الزکوة باب چهارم در بیان خمر خواران وبنگ خواران وقمار بازان
باب پنجم در بیان صفت بهشت ودوزخ واهل او باب ششم در بیان
بعضی چیزها که خدای تعالی امر کرده بعضی قولی وبعضی فعلی باب هفتم در بیان
چیزها که خدای تعالی نهی کرده است بعضی قولی وبعضی فعلی باب هشتم در بیان

آداب عالم و متعلم و غیر او **باب نهم** در بیان اکرام الضیف و جار و ثواب
و صدقه دادن و فضیلت اهل سخاوت و بخل و غیر **خاتمه** در بیان معاصی و علم
خالص و غیر او **اما مقدمه** بدانکه خدای تعالی بر همه مومن و مومنه را واجب
و لازم کرده است طلب کردن علم را چنانچه در کلام مجید خود میفرماید فاسئلوا
اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون یعنی بپرسید سوال کنید از اهل کتاب اگر شما
نمیدانید تا دانا شوید و نیز عمل موقوف است بعلم چنانچه حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرموده است العمل بلا علم ضلال یعنی عمل بی علم گمراهیست
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اطلبوا العلم و لو کان بالصین
یعنی بجویید و طلب کنید علم را اگرچه در چین باشد و دیگر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة یعنی جستن
علم فریضه است بر هر مرد و زن و دیگر حضرت فرموده است اطلبوا العلم
من المهد الی اللحد یعنی طلب کنید علم را از روزی که تولد شده اید تا آن
زمانی که در لحد بخوابید و دیگر خواجه عالم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
اطلبوا العلم و لو کان بین ایدیکم نار اتحرقون او بحر تغرقون یعنی طلب کنید
علم را اگرچه در پیش شما آتش سوزان باشد و یا دریای غرق کننده یعنی که

از آن

از آن دریا بار نمائید و بطلب علم مشغول شوید که بی علم خدا را پرستیدن
ضلالت است و راه حق نتوان برد الا بالعلم **بیت** بیاموز علم و ادب
ای پسر که بی علم کس را بحق راه نیست کسی ننگ دارد ز آموختن که از
ننگ نادان آگاه نیست و دیگر حضرت فرموده است که اطلبوا العلم
فان الطالب کثیر یعنی طلب کنید و بجویید دانش را که جوینده علم در دنیا
بسیار است و در توریه موسی علیه السلام آورده که خدای تعالی خطاب
کرد که یا موسی بگیر نعلین از آهن و بگیر عصای از آهن و طلب کن علم را و بجو
دانش را چندانکه عصا بشکند و نعلین بدرد که دوست کسی که عمل کند علم با
حجت و منور باشد پس علم دلیل عمل بود و هر چیز که بی دلیل شد بی حجت
باشد و هیچ شکی نیست که در بیابان ضلالت و حیران باشد که بی دلیل
راه رفتن خطای بزرگ است **بیت** بر خلق جهان علم پناه است پناه
بی علم مباش تو که آه است گناه تا بابا جهان بعلم بوده روشن بی علم
جهان همه سیاه است سیاه و دیگر خواجه عالم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده
که مثل الذی یعمل بغیر علم کمثل حمار فی الطاحونه یدور فی مکانه و لا یستطیع
ان یتجاوز عن مکانه یعنی آنکس که عمل کند بی علم چون خری باشد که در

استیاب بگردد و قدرت آن ندارد که بگذرد از جایش و دایم سر
گردان باشد و این زمان مردمان بجهالت خود ساخته اند و طلب علم
کمتر رجوع کنند و این سبب سیاهی و مردگی دل ایشان باشد و نمیدانند
که جواه سفیدی دل بعلم است زیرا که حضرت فرموده است که العلم
صیقل القلب یعنی علم صیقل دل بود و دیگر حضرت فرموده است القلب
میتة وحیاته بالعلم والعلم میتة وحیاته بالقلب یعنی دل مرده است
و زنده گرداندن او بعلم حاصل می شود و علم مرده است و زنده گرداندن او بطلب حاصل
می شود **بیت** دل جاهلان را تو مرده شناس ٭ بنا شسته دل جاهلان حق
شناس ٭ بعلم العلم و ادب زنده کن ٭ وگرنه تو باشی حق ناشناس ٭
در بیان علم علماء و غیره و این باب مبنی بود در سه فصل **فصل اول** در فضیلت
علماء و غیره خدای تعالی میفرماید والذین اوتوا العلم درجات یعنی خداوند
عالم علم را درجات و منازل داده است و جای دیگر میفرماید انما یخشی الله
من عباده العلماء یعنی بنده گانی که عالمند از خدای تعالی میترسند و فرمان
برداری بجا آورند و دیگر حضرت فرموده است عظموا العلماء فانکم تحتاجون
الیهم فی الدنیا والآخرة یعنی گرامی دارید علما را بدرستیکه شما احتیاج بایشان

ایشان دارید در دنیا و آخرة و دیگر حضرت فرموده است من احب
ان ینظر الی عتقاء الله من النار فلینظر الی العلماء والمتعلمین یعنی هر که
دوست دارد که نظر کند آزاد کرده شده گانی را از آتش دوزخ گو ببین
علماء و متعلمان را و دیگر حضرت فرموده است من خدم عالما سبعة یوم فقد
خدم الله سبعة آلاف سنة و اعطاه الله تعالی الف شهید یعنی هر که خدمت
کند عالم را هفت روز بدرستیکه خدمت کرده خدا را هفت هزار سالی
و بدهد خدای تعالی او را ثواب هزار شهید و دیگر حضرت فرموده است
من اکرم عالما متعلما فکانما اکرم سبعین نبیا یعنی هر که گرامی دارد عالمی را
چنان باشد که گرامی داشته است هفتاد پیغمبر را و دیگر حضرت رسول صلی
الله علیه وآله وسلم فرموده است که افضل العالم علی العابد کفضلی علی
ادناکم یعنی فضل عالم بر عابد چون فضل من است بر فرو ترین شما و دیگر
حضرت فرموده است که افضل العالم علی العابد کفضل القمر لیلة البدر
علی سائر الکواکب یعنی فضل عالم بر عابد چون ماه چهاردهم باشد بر سایر
ستاره ها کامل و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است
بین العالم والعابد مائة درجة وبین کل درجة [illegible]

الف سنة یعنی میان عالم و عابد صد درجه بود از درجه تا درجهٔ
دیگر چندان مسافت بود که اسب تیزرو و براق کرده هزار سال راه بود و این
فضل بود عالم بر عابد بیت صاحبدلی بمدرسه آمد ز خانقاه بشکست
عهد صحبت اهل طریق را بیت گفتم میان عابد و عالم چه فرق بود تا اختیار کردی
از این و آن فریق را بیت گفت آن گلیم خویش برون میبرد ز موج وین
سعی میکند که رهاند غریق را و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است که سئلت عن جبرئیل علیه السلام ای جهاد افضل لامتی
قال طلب العلم قلت بعد ذالک قال زیارة العلماء یعنی سؤال کردم از
جبرئیل ع که کدام جهاد افضل است عرض کرد عالم گفتم بعد از آن عرض
کرد نظر کردن بعالمان گفتم بعد از آن عرض کرد زیارة عالمان و دیگر
حضرت فرموده العالم الواحد اکرم من عند الله تعالی الف شهید یعنی یک
شخص عالم بهتر است نزد خدای تعالی از هزار شهید و دیگر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که سئلت عن جبرئیل علیه السلام العلماء
اکرم من عند الله ام الشهداء قال العالم الواحد اکرم من عند الله من عشر
الالف شهید فان اقتداء العلماء بالانبیاء و اقتداء الشهدا بالعلماء یعنی گفتم

از جبرئیل ع گفتم نزد خدای تعالی عالمان بزرگتر اند یا شهیدان عرض
کرد یک عالم نزد خدای تعالی بهتر است از ده هزار شهید زیرا که اقتدای
علماء با انبیا و اقتدای شهدا بعلماست و دیگر حضرت فرموده که من حفظ من
امتی اربعین حدیثا کتب الله تعالی یوم القیمة فقیها عالما یعنی هر که یاد گیرد
از امت من چهل حدیث بنویسد خدای تعالی او را عالم یعنی او را در جریدهٔ
علماء و فقها بنویسد و شفاعتش مثل شفاعت انبیا باشد و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که من مات فی طلب العلم قبل حصول
المقصد حق تعالی ملکا فی قبره لیعلمه الی یوم القیمة یعنی هر که بمیرد در طلب العلم
پیش از مقصد بیافریند خدای تعالی در قبر او فرشته تا او را تعلیم کند تا روز
قیامت و دیگر حضرت فرموده است مداد العلماء خیر من دماء الشهداء یعنی
سیاهی که علما بر آن آیه و یا حدیث نویسند بهتر است از خون شهدا و دیگر
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است العالم کالذهب
والمتعلم کالفضة و ما عداهما کالرصاص یعنی علم چون زر سرخ است و متعلم چون
سیم سفید و باقی مردمان چون ارزیز و دیگر حضرت فرموده است معنی حدیث
بفارسی آنست که چون متعلم بنشیند پیش عالم از برای آموختن علم خدای

تعالی بگشاید بر روی او هفتاد هزار در رحمت و آمرزیده و بی‌گناه باشد چنانکه
از مادر متولد شده باشد و بدهد خدای تعالی بهر حرفی ثواب عبادت یک ساله
دنیا و بدهد برای او شهری در بهشت که در بزرگی ده برابر دنیا باشد پس لازم
شد بر مؤمنان و مسلمانان که طلب علم مشغول شوند **بیت** بیاموز علم و
ادب ای پسر ٭ ز مادر نزاید کسی با هنر ٭ به تحصیل دانش تو کوشش نمای ٭
که دانای هست نادان چو خر ٭ و در روایت صحیح آمده است که صحابه در خدمت
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بودند که یک شخص آمد عرض کرد یا رسول
الله چه اجر باشد کسی را که فرزند خود را قرآن بیاموزد حضرت فرمود قرآن
کلام حق است و ثواب آن را بجز خدای تعالی کسی نداند و نتواند بیان کرد
حضرت در این سخن بود که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند عالم رسید
عرض کرد یا رسول الله خدای تعالی شما را سلام می‌رساند و میفرماید هر که فرزند
خود را قرآن بیاموزد چنان باشد که ده هزار حج کرده باشد و ده هزار غزوه
بجا آورده باشد و ده هزار برهنه را جامه پوشیده باشد و بنویسد خدای
تعالی بهر حرفی هزار نیکی و در دیوان او محو کند هزار بدی و بگذرانند او را از
صراط چون برق درخشنده و هرگز از وی جدا نشود تا برساند او را بکرم ٭

جان

جان مؤمن شادمانی از خواندن قرآن بود ٭ خواندن قرآن بظاهر جان را
جانان بود ٭ هر که با فرزند خود از بهر قرآن رنجه داد ٭ رفتنش روز جزا اندر
بهشت آسان بود ٭ شرع چون سبزیست قرآن قطره باران او ٭ هر که
باشد روز و شب با خواندن قرآن قرین ٭ همنشینش مصطفی با جمله یاران بود ٭
عزت از قرآن بود تا زنده باشی در جهان ٭ چون بمیرد مونست در قبر هم
قرآن بود ٭ و دیگر حضرت فرموده است معنی حدیث بفارسی آنست
که هر شهری و دهی عالم و یا متعلم در آید و طعام بخورد و شراب ایشان بیاشامد
از یکطرف در آید و بطرف دیگر بیرون رود برکت دهد خدای تعالی آنجا را و بردارد
عذابها از اهل قبرستان ایشان تا چهل روز و در روایتی دیگر تا بچهل سال
پس فضیلتش انبیا و اولیا و اوصیا علم و تقوی و ادب است نه بمال و جاه که
پیش بزرگان و خداوندان دین مال را قربی نیست **فصل دوم** در بیان
قاضیان و علما بیعمل و منجمان جاهل بدانکه قاضیان سه طایفه اند یک طایفه
از اهل بهشت و دو طایفه از اهل دوزخ بحکم حدیث جناب رسول خدا القضاة
ثلثة قاضیان فی النار و قاض فی الجنة یعنی قاضیان سه گروه اند دو گروه
در دوزخ و یک گروه در بهشت باشند اما آن دو گروه که در دوزخ باشند

یکی آنکه او را علم نباشد و از سر جهل مسئله را جواب گوید و حکم کند دوم آنکه او را
علم بود ولیکن بمیل و با رشوه حکم کند پس ایشان از جملهٔ فاسقان و ظالمان باشند
چنانچه حق تعالی میفرماید و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون
یعنی هر که حکم نکند بآنچه خدای تعالی فرستاده است او از ظالمان باشد
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است ویل للعالم یتکلم
بهواء الناس لا یکون احد اشد عذابه یوم القیمة یعنی وای برای عالمی که سخن
گوید بهواء مردمان که در روز قیامت هیچ کس را عذاب سختتر از او نباشد
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است العلم بلا عمل و بال
یعنی علم بی عمل و بال و بیهوده کار است و دیگر حق سبحانه و تعالی میفرماید اتأمرون
الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب یعنی میفرمایید مردمان را
به نیکویی و فراموش کرده اید نفسهای خود را و شما خوانندهٔ کتاب اید یعنی
شما علما اید و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
العلم بلا عمل کشجر بلا ثمر فالنار اولی به یعنی علم بی عمل چون درخت بی ثمر بود
و آتش جای او باشد بیت عالم گر او را عمل همراه نیست ❊ جان او از علم او آگاه
نیست ❊ چون درخت بی بر است اندر مثل ❊ کش بجز آتش پناه نیست ❊

پس تحقیق باید دانست که عمل بی علم بیگانگیست و علم بی عمل دیوانگیست
که امروز تو را در طاعت نیاورد و از معاصی باز ندارد فردا از آتش جهنم
باز ندارد بیت علمی که تو را بطاعت آرد بطلب ❊ علمی که تو را الٰهی سازد
بطلب ❊ علمی که تو را باز ندارد ز گناه ❊ تحقیق بآتش برساند بطلب ❊
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است العلماء امناء
الرسل ما لم یدخلوا فی الدنیا فاذا دخلوا فی الدنیا فاحذروهم علی دینکم
یعنی علما امینان پیغمبرانند مادام که بدنیا نیامیزند و چون بدنیا بیامیزند
حذر کنید شما از دین خود و بپرهیزید از ایشان تا در دین شما خلل
نشود و دیگر حق سبحانه و تعالی در حق منجمان میفرماید فصل سیم در بیان
منجمان و غیره قال الله تعالی لا یعلم من فی السموات و الارض الا الله یعنی
بگو ای رسول من نداننده آنچه در آسمان و زمین است غیر از خدای تعالی
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده کذب المنجمون برب
الکعبة یعنی سوگند یاد میکنم پروردگار کعبه که منجمان دروغ گویانند و دیگر
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است المنجم عند الله عاصی
و عند الناس متهم و فی القبر مع ندامة شدید عذابه یعنی منجم نزد خدای

تعالی عاصی و شرمنده بوده و نزد خلایق متهم بوده و در گورستان پشیمان
سخت باشد و عذاب دردناک باشد و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم فرموده است من اتی کاهنا فصدقه بما یقول فقد کفر بما انزل
علی محمد صلی الله علیه و آله یعنی هر که پیش رمال و یا منجم رود و ایشان را راست
گو داند در آنچه گویند از غیب خبر دهد بدرستیکه کافر شود از آنچه فرستاده
خدای تعالی بر رسول خود یعنی قرآن و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و سلم فرموده است که المنجم کالکاهن والکاهن کالساحر والساحر
کالکافر والکافر فی النار یعنی چون منجم فال گوی و رمال است و فال گوی چون جادو
گر است و جادوگر کافر بوده و در آتش دوزخ باشد **بیت** منجم که گمرهی دان
تمام ⁂ بقول خدا و رسول امام ⁂ مکن قول او را تو از دل قبول ⁂ که کافر شوی
ای اخی والسلام **باب دویم** در بیان فضیلت نماز و عقاب تارک او
و این باب مبنی بود بر سه فصل **فصل اول** در بیان فضیلت نماز در خبر آمده
است که یک نماز فریضه پیش خدای تعالی بمنزله یک حج است و یک حج
فاضلتر است از خانه که پر از زر باشد و تمام آن زر را صاحب او صدقه
داده باشد در راه خدای تعالی و هم در خبر آمده است روایت است

از ائمه

از ائمة اهل بیت علیهم السلام که هیچ وجه و وسیله بنده در نزد
خدای تعالی چندان مقرب نگردد مگر بنماز مقرب گردد و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است معنی حدیث بفارسی اینست
که چون بنده روی بقبله کند از برای نماز با خلاص تمام نیت کند و بگوید
الله اکبر بیرون آید از گناه مانند روزی که از مادر متولد شده است
و چون بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بهر تار موی که بر تن او باشد
خدای تعالی ثواب عبادت یکساله در دیوان اعمال او بنویسد و چون
فاتحه و سوره را بخواند چنان باشد که یک حج و عمره بجا آورده باشد و چنان
بود که کتابهای خدای تعالی را خوانده باشد و چون رکوع کند چنان
باشد که بوزن خود زر سرخ صدقه داده باشد و چون بگوید سمع الله
لمن حمده خدای تعالی نظر رحمت خود بر او نگاه کند و چون سجده
کند و تسبیح بگوید چنان باشد که بنده آزاد کرده باشد و بدهد خدای
تعالی او را بعدد فرشتگان نیکوی و چون بگوید تشهد خدای تعالی او را
ثواب صابران دهد و چون سلام دهد فارغ شود بگشاید خدای تعالی
بروی او هشت دری از بهشت پس از هر دری که خواهد در آید و دیگر

حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است که افضل الاعمال بعد
الایمان الصلواة یعنی فاضلترین عملها بعد از ایمان نماز است و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است الصلواة کفارة الخطایا یعنی
نماز کفارهٔ گناهانست و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده
است که اذا اتم الصلواة مقبلا علی الله بقلبه وسمعه وبصره وانصرف
وقد خرج من ذنوبه کیوم ولدته امه یعنی چون بنده برخیزد برای نماز
و دلش پیش خدای تعالی باشد و باخلاص نماز را تمام کند پس فارغ
شود بدرستیکه بیرون آید از گناه مانند روزی که از مادر متولد شده
است و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است الصلواة
معراج امتی یعنی نماز معراج امت من است و دیگر حضرت فرموده است
معنی حدیث بفارسی آنست که چون بنده تکبیر نماز بگوید تمام گناه او
جمع شود بطرف چپ او و چون رکوع کند جمع شود بر پشت و گردن او
و چون سجده کند سر بنهد بر زمین از گناه فارغ شود و دیگر حضرت
فرموده است که ان لله ملکا ینادی وقت کل صلواة ایها الناس
قوموا الی اطفاء نیرانکم یعنی بدرستیکه خدای تعالی را فرشته ایست ندا میکند

در وقت

در وقت هر نماز که ای مردمان برخیزید و بجا بیاورید نشده و کشنده
آتش دوزخ را یعنی نماز است و دیگر حضرت فرموده است الصلواة فی
اول وقتها رضوان و آخر وقتها غفران یعنی نماز در اول وقت گذاردن خشنودی
حق بوده و در آخر وقت گذاردن آمرزش بوده و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه
وآله فرموده معنی حدیث بفارسی آنست هر که نماز بامداد را بجماعت بجای
بگذارد اگر همه عالم دشمن او شوند بروی ظفر نیابند و هر که چهار بار پیش از مردم
در مسجد را باز کند ثواب چهار پیغمبر برای او نویسند و ثواب هزار شهید برو
بدهند و هر گناه که پیش از آن کرده باشد با خدای تعالی بیامرزد و حاجت او را
برآورده گرداند و دیگر حضرت فرموده معنی حدیث بفارسی آنست که پنج
وقت نماز شبیه جوی آبیست که بدر خانهٔ یکی از شما باشد بگذرد و آنکس
روزی پنج بار در آن آب غسل کند چنان باشد که هیچ گرد و چرک در تن او نماند
پس بدرستیکه پنج وقت نماز این کس را پاک کند از گناه و این وقتی بود
که نماز را بر قاعدهٔ شریعت بگذارد یعنی سجود و قرائت را تمام و درست بجا
آورده باشد و دیگر حضرت فرموده است که المصلی ینادی یعنی نماز کننده
با خدای خود سخن وی می شنود و دیگر حضرت فرموده است که الصلواة نور المؤمن

یعنی نماز نور مؤمن است و دیگر حضرت فرموده است که الصلوة قربان
کل تقی یعنی نماز قربان هر پرهیزکار است و دیگر حضرت فرموده که رأس الایمان
نماز است و دیگر خداوند عالم میفرماید ان الحسنات یذهبن السیئات ذلک
ذکری للذاکرین یعنی نیکوئیهای شما ببرد بدیهای را و این وعظ و پندیست کسانی
که ذکر کنند در نماز و مراد از نیکوئیهای نماز است و دیگر حق سبحانه و تعالی میفرماید
که ان الله لا یضیع اجر المحسنین یعنی بدرستیکه خدای تعالی ضایع نکند مزد
ثواب نمازکننده گان را و دیگر حضرت فرموده است الصلوة نور ای منور
یعنی نماز نور است و روشن کننده دلست و نماز انس گرفتن بنده است
با حضرت رب العزة و چون یاد حق بر دل و جان می شود علم و معرفت
بحضرت حق زیاده می شود و معرفت چندانکه زیاده شد محبت و مودت چندانکه
زیاده گردد و عقد ایمانی بر دل و جان محکم گردد و نماز را فضیلت بسیار
است و این آنوقت است که نماز را بخشوع و حضور دل گذارد و رکوع و سجود
آنرا تمام بجا آورد زیرا که خدای تعالی میفرماید قد افلح المؤمنون الذین هم فی
صلاتهم خاشعون یعنی بدرستیکه رستگاری یافتند مؤمنان و آنجماعت که در نماز
فروتنی کنند و بدانند که در راست و چپ ایشان کیست و این بعض گویند

که خشوع

که خشوع در نماز آنست که نمازکننده بداند که بدست راست و چپ او کیست
و دیگر حضرت فرموده است که لا صلوة الا بحضور القلب یعنی نماز نیست
مگر بجا فرستادن دل در نماز و دیگر خدای تعالی میفرماید فویل للمصلین الذین
هم عن صلاتهم ساهون یعنی وای مر نمازکننده گانرا که چون نمازکننده دل
ایشان در نماز نبود و ویل چاهیست در قعر دوزخ و در آن چاه ماریست که
دوزخیان بآن همه عقوبت و الم از او شبانه روز بناله و زنهار خواهند از گزنده
آن مار خدای تعالی میفرماید که و ان آن مار جای آنکس است که در نماز غافل
بود و دیگر خداوند عالم میفرماید که اقم الصلوة لذکری و لا تکن من الغافلین
یعنی بپای دار ای محمد نماز را از برای یاد کردن من و مباشید از غافلان دیگر
حضرت فرموده و لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون یعنی — یا رب
نزدیک نماز مروید حال آنکه شما مست باشید تا آنکه بدانید که چه میگوئید و چه
میخوانید و مستی با نواعست حب دنیا و کثرت هموم و مستی غفلت که حال و
فرموده که نزدیک نماز مروید تا بیخودی با خود آئید و بدانید که چه میگوئید
که نماز مناجات خدای تعالی است که نمازگذارنده با خدای خود مناجات
میکند و مناجات با غفلت دل چگونه باشد و باید و آنکه

پراکنده که دل نماز را از غلبهٔ شهوات مختلفه است و راندن و
اصلاح آن همه حب دنیاست اصل همه خطا است و بنیاد نقصان
است و منبع همه آفات است هر که دل او به دنیا خرم شود از لذت مناجات
محروم ماند و دیگر حضرت فرموده اقیموا رکوعکم و سجودکم و خشوعکم فانی اری
من خلفی کما اری من امامی یعنی تمام کنید رکوع و خشوع را در نماز شما بدرستیکه
می بینم از عقب خود چنانکه می بینم شما را از پیش خود و دیگر حضرت
فرموده است که اشر الناس سرقة من یسرق صلواته یعنی بدترین دزد
از دزدی دزد آنکس است که از نماز چیزی بدزدد یعنی رکوع و سجود آن
تمام بجا نیاورد ابن عباس گوید دو رکعت نماز با تفکر بودن بهتر است
از نماز شبانه روزی که بی تفکر و با غفلت گذارده شود و دعا بگریه
مصلی هر روز برای صفات اندرون افعال و بیرونش متغیر و مبدل
شود و مناهی در دل او سرد شود و فتنه طلبش در عبادت بیفزاید چنانکه
حق تعالی می فرماید ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر یعنی بدرستیکه
نماز باز دارد از زنا و ناپسندیده و دیگر حضرت فرموده است که من
لم تنهه صلوته عن الفحشاء والمنکر لم تزده من الله الا بعدا یعنی هر که

نماز

نماز او باز ندارد او را از زنا و از ناپسندیده زیادت نکند او را مگر
دوری از خدای تعالی مگر دوری بیت هر نمازی که تو را نهی نکند از فساد و فحش
ای برادر تو مکن بر وی زیادتی اعتماد ✽ زان نمازت هست دوری از خدا
روز حشر او نباشد مر تو را زاد المعاد فصل دوم در بیان عذاب تارک
الصلوة قال الله تعالی یتساءلون عن المجرمین ما سلککم فی سقر قالوا لم نک
من المصلین ولم نک نطعم المسکین یعنی سؤال کنند مالکان دوزخ از گنه
کاران چه گناه کرده اید شما را در دوزخ درآورند گویند ما نبودیم از نماز
کنندگان و نبودیم غذا خورندگان با فقیران و جای دیگر فرموده است
که اضاعوا الصلوات واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا یعنی آن کسانی
که ضایع کردند نماز را و متابعت نفس و شهوات کردند زود باشد که
ایشان را در دوزخ غی اندازند و از ابن عباس روایت است که غی
در دوزخ وادیست بدان گرمی و هیبت که اگر خدای تعالی امر کند
و بفرماید در دوزخ را گرمی خود بخورد و در آن وادی چاهیست که ژرفی
سال راه درازی اوست و سی سال راه پهنای اوست و ابتدای آن روز
که خدای تعالی او را آفریده است دهان او در است که شاید الا اگر

بی نمازان و شراب خواران و دیگر حضرت فرموده است که روزی برادرم
جبرئیل علیه السلام نزد من آمد وحی میکرد هنوز وحی تمام نشده بود که آواز
سخت با هول و هیبت برآمد که در حال رنگ جبرئیل متغیر شد از
وی سؤال کردم ای برادر این چه آواز بود عرض کرد یا رسول الله خدای
تعالی در دوزخ چاهی آفریده است و سنگی سیاهی در وی انداخته
است سیزده هزار سال بود که در راه بود امروز بتک آن چاه رسید
و دیگر حضرت فرمود که از جبرئیل پرسیدم آن چاه جایگاه کدام طایفه
است عرض کرد جای بی‌نمازان باشد و دیگر حضرت فرموده که چون
روز قیامت شود در آید از دوزخ کژدمی که سر او بآسمان هفتم باشد
و دنبال او در زمین و دهان او از مشرق تا بمغرب بود پس گویند
او را که چه میخواهی ای کژدم گوید پنج کردی را میخواهم عذاب کنم اول
بی‌نمازان را دوم مانع الزکوة‌ان را سیم خمرخواران را چهارم ربا خواران را پنجم
کسانی را که در مسجد سخن دنیا کرده باشند ندا آید ای کژدم برجمیع آنها ما
که میخواهی پس حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که بر سینه ایشان را
چنانکه بکوبد که او بار گردد به دوزخ بیت اندرین خانه کم مسلمانی :

بجوی

چون در آید بگجز نماز مکن :: لاف کاه تو طیت نماز حق :: قصه بر خویشتن
دراز مکن :: و دیگر حضرت فرموده که هر که نماز را ترک کند و بگذارد حق تعالی
بپانزده عقوبت مبتلا کند شش در حال حیوة و سه در نزدیک وفات و سه
در قبر و سه در قیامت اما آن شش که در حال حیوة بود اول آنکه نور
از روی باز دارند دوم آنکه برکت از عمر او بردارند سیم آنکه خالش یاد
نشود چهارم آنکه خدای تعالی هیچ خیرات او را قبول نکند پنجم آنکه دعای او
در حق قبول نیفتد ششم آنکه او را در دعا نصیبی نباشد اما آن سه بلا
که در نزدیک وفات بود اول آنکه سخت گرداند خدای تعالی سکرات
مرگ را بر او دوم آنکه گرسنه وفات یابد که اگر جمیع طعام دنیا را بر حلق
او بریزند سیر نشود سیم آنکه تشنه بمیرد که اگر جمیع آب دریاها را بر حلق او
بریزند سیراب نگردد و دیگر آنکه دایم با غم اندوه باشد تا روز قیامت
اما آن سه بلا که در قبر با وی رسد اول آنکه قبر او بر وی تنگ باشد تا روز
قیامت دوم آنکه دایم در غم باشد سیم آنکه او را عذاب بود تا روز
قیامت اما آن سه بلا که در روز قیامت بوی رسد اول آنکه حساب
او سخت و دشوار بود دوم آنکه خدای تعالی دشمن او باشد بروز حشر کند

و اورا عذاب دردناک برسد سیم آنکه بخواری اورا از قبر بر انگیزانند چنانکه
میت حیوانات اورا چهار دست و پای بود در عرصات همه خلایق بدو نگرند
و عبرت گیرند و بعد از آن بدوزخ اندازند بیت واحش مده آنکه بی‌نماز
است * گرچه وامش زفاقه باز است * گو قرض خدا نمیگزارد * از قرض
تو بیند غم ندارد * و دیگر حضرت فرموده است که من تتمّم فی دعته تارک
الصلوة فکانما هدم البیت المعمور سبع مرات فکانما قتل الف ملک
من الملائکة المقربین والانبیاء والمرسلین یعنی هرکه بکند و بروی بی نماز
چنان باشد که خراب کرده باشد بیت المعمور را هفت بار و هزار
فرشته را از فرشتگان مقرب و هزار پیغمبر از پیغمبران مرسل بقتل آورده
باشد و دیگر حضرت فرموده است که لا ایمان لمن لا صلوة له یعنی ایمان
ندارد آنکس که بی نماز است و دیگر حضرت فرموده است که من احرق
سبعین مصحفا وقتل سبعین نبیا و زنا مع امه سبعین مرات وافتض
سبعین بکرة بطریق الزنا فهو اقرب الی رحمة الله تعالی ممن ترک الصلوة
متعمدا یعنی هرکه هفتاد مصحف بسوزاند و هفتاد پیغمبر را بقتل آورده باشد
و هفتاد بار با مادر خود زنا کند و هفتاد دختر را بطریق زنا بکارت ایشانرا

برداره

برداره او به رحمت و آمرزش خدای تعالی نزدیکتر و سزاوارتر است
از آنکه عمدا نماز را ترک کند و دیگر حضرت فرموده من اخاف تارک الصلوة
بلقمة او کسوة فکانما قتل سبعین نبیا اولهم آدم آخرهم محمد صلی الله علیه و آله
یعنی هرکه یاری کند ترک کننده نماز را بیک لقمه یا یک پوششی پس چنان باشد
که کشته است هفتاد پیغمبر را که اول آن آدم علیه السلام و آخر آن جناب محمد صلی
الله علیه و آله بیت بی نمازی بدتر است صد بار از مردم کشی * در شریعت
واجب آمد کشتن هر بی نماز * گر تو نگذاری نماز روز و شب * لا جرم هم جای
تو باشد بدوزخ گر تو باشی بی نماز * بی نمازی بت پرست هرچه بدوزخ اند
اند * از رمی و فارسی بهتر بود از بی نماز * من بگویم یک سخن از قول حق گر
بشنوی * دم سگ بهتر بود از ریش مرد بی نماز * ماهیان در قعر دریا مرغها
اندر هوا * روز و شب باشند هم لعنت کنان بر بی نماز * ای تمنای تا تو
باشی روز و شب این بنده ده * تا مگر از بنده تو عبرت بگیرد بی نماز * دیگر
حضرت فرموده است که لکل شیء آفة و آفة الدین تارک الصلوة یعنی
هر چیز را آفت است و آفت دین بی نماز است و دیگر خواجه عالم صلی
الله علیه و آله و سلم فرموده که لکل شیء علم و علم الایمان الصلوة یعنی هر چیز را

لث نه ایست وثلث نه ایمانی نماز است و دیگر حضرت فرموده که ترک الصلوة
متعمداً فقد کفر یعنی هرکه ترک کند نماز را بعمد بدرستیکه او کافر است و دیگر
حضرت فرموده العهد الذی بیننا وبینهم صلوة من ترکها کافر یعنی آن عهد میان
ما و میان مومنان است آن نماز است پس هرکه ترک کند آن را بدرستیکه
او کافر باشد بیت مکن قصد ترک نماز ای پسر ؛ که کافر شوی و جهودی و گبر
ور سهو نسیان بود ترک او ؛ قضا کن چو یاد آمدت زودتر ؛ و دیگر حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که من اخر الصلوة عن وقتها فیترک حبس علی
الصراط ثمانون حقبا کل حقب ثمانون سنة وستون یوم کل یوم کعمر الدنیا من اولها
الی آخرها یعنی هرکه نماز را ترک کند یا در وقتش ادا نکند باشتاد حقب او را دارند
در سر صراط که هر حقبش سیصد روز باشد و هر روزش مانند عمر دنیا باشد
از اول تا آخر و دیگر حضرت فرموده است که من ترک الصلوة متعمداً لبقا
فی النار ثمانون حقبا یعنی هرکه نماز را عمداً ترک کند هشتاد حقب در دوزخ ماند
که شش هزار و چهار صد سال باشد و دیگر حضرت فرموده که تارک الصلوة لا یجد ریح
الجنة یعنی بی نماز بوی بهشت را نیابد و دیگر حضرت فرموده است الصلوة
عماد الدین فمن اقامها فقد اقام الدین ومن ترکها فقد هدم الدین یعنی

نماز

نماز ستون دین است که نماز را بپا دارد دین را بپای داشته است و هرکه
نماز را ترک کند دین را خراب و ویران کرده است بیت گر تو میداری نماز خود
بپای ؛ دین خود را داشته قائم بجای ؛ زانکه دینت را ستون آمد نماز ؛ خانهٔ دین
بی ستون نبود روا ؛ و دیگر حضرت فرموده است که هرکه نماز بامداد را ترک
کند بیزار شود از نور قرآن و هرکه نماز پیشین را ترک کند بیزار شود از نور ایمان
و هرکه نماز پیسین را ترک کند بیزار شود از نور فرشتگان و هرکه نماز شام را ترک
کند بیزار شود از نور پیغمبران و هرکه نماز خفتن را ترک کند بیزار شود از خدای
تعالی و ندا کند که ای عاصی بیرون شو از زمین و آسمان من و طلب کن بغیر از
من خدای دیگر و دیگر حضرت فرموده است که اول ما یحاسب به الانسان یوم
القیمة الصلوة فاذا قبلت قبلت ما سواها واذا ردت رد ما سواها یعنی اول
آنچه از آدمیان حساب کنند روز قیامت نماز است اگر نمازش مقبول
است هر چیز دیگرش مقبول است و اگر نمازش مردود است همه چیز دیگرش مردود
است و مقبول درگاه نیست پس معلوم شد که هیچ خیرات و حسنات بی نماز
پیش خدای تعالی مقبول نیست و نخواهد بود بیت روز محشر که جان گداز بود
اولین پرسش از نماز بود ؛ پس مکن در نماز تقصیر ؛ تا در آن روز خجلت

دیگر باب بیستم در بیان عذاب مانع الزکوة قال الله لا یحسبن الذین یبخلون بما
آتیهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة یعنی مپندارند
آنهایی که بخل میکنند و زکوة مال را نمیدهند از آنچه خدای تعالی از فضل خود بایشان
فرستاده که نیکی ایشان درست بلکه عقوبت درست زود باشد که کنم آن مال را
شماری در گردن ایشان اندازم در روز قیامت و دیگر خداوند عالم در کلام مجید
خود فرموده الذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم
بعذاب الیم یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم
لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون یعنی آنکسانی که گنج مینهند زر و نقره را و نفقه
نمیکنند در راه خدای تعالی یعنی زکوة آن مال را نمیدهند بشارت ده ایشان را
بعذاب دردناک که روز قیامت گرم گردانند آن زر و نقره را در آتش دوزخ و داغ
کنند بآن پیشانی ایشان را و پهلوهای و پشتهای ایشان را و گویند که این گنجهای
شماست که برای نفسهای خود نهاده بودید و زکوة او را نداده بودید در دنیا
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده هر که را خدای تعالی مال داد
و آنکس ادا نکند زکوة آن مال را پس آن مال شود مار سیاه شود در گردن ایشان
و در روز قیامت و آن مار میگیرد کنارهای او را میگزد و میگوید که من مال کنز توام

که در دنیا

که در دنیا زکوة او را نداده بودی و دیگر حضرت فرموده الزکوة قنطرة
الاسلام یعنی زکوة پل دین اسلام است یعنی هر که زکوة مال را نمیدهد از پل اسلام
نتواند گذشتن و دیگر حضرت فرموده است لا یقبل الله تعالی صلوة رجل لا یؤدی
حق ماله یعنی قبول نکند خدای تعالی نماز مردی را که زکوة مال خود را ادا نکند
و دیگر حضرت فرموده است که لا ایمان لمن لا صلوة له ولا صلوة لمن لا زکوة له یعنی ایمان
ندارد آنکه نماز ندارد و نماز ندارد آنکه زکوة ندارد و دیگر حضرت فرموده است
لا ینقص المال من الزکوة یعنی کم نشود مال بدادن زکوة بیت اگر مال داری
زکواتش بده ÷ یکی گنج در آفت توست ÷ که هرگز نگردد از آن مال کم ÷ بیفزاید
باغ بستان ده ÷ و دیگر حضرت فرموده که ما هلک المال فی البر والبحر الا بمنع
الزکوة یعنی تلف نمیشود مال نه در دریا و نه در بیابان مگر بندادن زکواتش
و دیگر حضرت فرموده که حصنوا اموالکم بالزکوة وداووا امراضکم بالصدقة یعنی
بحصار در آورید مالهای خود را بدادن زکوة و دوا کنید مرضهای خود را
بصدقه دادن بیت مال خواهی ای برادر بشمار ÷ ده زکواتش تا در آید
در حصار ÷ نه برد دزد نه تاراجش رود ÷ در امان باشد لفظش گو که کار ÷ دیگر
حضرت فرموده است در بیان مانع الزکوة قنطره من عطاه ولم یعطی قطره

کأنه لم یصم یعنی هرکه روزه بدارد و زکواة بیرون نکند چنان بود که روزه
نداشته باشد و دیگر حضرت فرموده من اتمام الصوم و اعطاء الفطرة یعنی بدرستیکه
روزه فرضست و کمال او به دادن زکواة فطره راو دیگر حضرت فرموده است که شهر
رمضان معلق بین السماء و الارض و لا یرفع الا عطی بزکواة الفطره یعنی رمضان
آویخته است میان آسمان و زمین بالا نمیرود مگر به دادن زکواة فطره
و دیگر خدای تعالی میفرماید قد افلح من تزکی یعنی رستگاری یافت آنکس
که بیرون کرد زکواة فطر را بیت زکواة سرت را بده ای عزیز که ترا هست
امید جنبار خیز که صوم تو مقبول باشد تمام بقول نبی گزین امام چهارم
در بیان عذاب خمرخواران و قماربازان و نرد بازان و غیر او و این باب مبنی
بود بر سه فصل فصل اول در بیان شراب خواران خدای تعالی در کلام مجید خود
میفرماید یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من
عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید بدرستیکه
خمر و قمار و الانصاب و الازلام پلید و حرام است و از عمل شیطان است
پس به پرهیزید تا شاید رستگاری یابید و خمرخواران بعد از توبه برخیزند باید
که [illegible] و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده

است

است شارب الخمر کعابد الوثن یعنی خورنده خمر چون بت پرست باشد
و دیگر حضرت فرموده است ما من رجل یشرب الا سقاه الله تعالی یوم القیمة
من الحمیم مثل ما شرب من الخمر یعنی نیست هیچ مردی که بخورد خمر را مگر آنکه خدای تعالی
بچشاند در روز قیامت او را از زرداب دوزخ مقدار آنچه خورده است
و دیگر فرموده که الخمر جماع الاثم و الخبائث یعنی خمر اصل همه گناهان است و مادر
همه پلید است و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
که ان الله لعن الخمر و عاصرها و معتصرها و بایعها و مشتریها و حاملها و المحمول الیها
و شاربها و آکل ثمنها یعنی خدای تعالی لعنت کرده است خمر را و فشارنده او را
و بدست بردارنده و نشاننده و خورنده و قیمت دهنده او را و دیگر حضرت
فرموده است که من اطعم شارب الخمر لقمة سلط الله تعالی علی جسده الحیات
و العقارب و اطعمه الله من صدید جهنم یعنی هرکه یک لقمه طعام دهد خمرخواره را
مسلط گرداند خدای تعالی بروی ماران و کژدمان و طعام دهد او را از زرداب
دوزخ و دیگر حضرت فرموده است که من سلم شارب الخمر او صافحه او عانقه
احبط الله عمله اربعین سنة یعنی هرکه سلام کند شارب خمر را یا دست
بوسی کند یا دست در گردن او کند حبط گرداند خدای تعالی [illegible]

و دیگر حضرت فرموده معنی حدیث بفارسی آنست که هرکه خمر خورد شب
نظر نکند بسوی او تا روز و هرکه صبح خورد نگاه نکند تا شب هرکه خمر خورد
دست خود قبول نکند خدای تعالی نماز او را تا چهل روز و اگر در آن مستی
بمیرد چون بت پرست بود و دیگر حضرت فرموده است که من کان یؤمن
بالله والیوم الآخر فلا یجلس علی مائدة یدار علیها الخمر یعنی هرکس ایمان
آورده باشد به خدای تعالی بروز آخرت باید نه نشیند بر سر خوانی که در آن
خمر بود و دیگر حضرت فرموده که در دوزخ وادیست بدان کری او بی مالد
بخدایا داند که در آن وادی خانه ایست از آتش و در آن خانه چاهیست از آتش
و در آن چاه تابوتیست از آتش و در آن تابوت ماریست از آتش که او را
هزار سر دارد و در هر سرش هزار هزار دهان دارد و در هر دهانش ده
هزار دندان دارد و در هر دندانش ده هزار نیش باشد صحابه عرض کردند
یا رسول الله اینکه فرمودی عذاب کدام طایفه بود حضرت فرمود که از
برای خمر خواران باشد و دیگر حضرت فرموده که هرکه طعام دهد خمر خواره را
یک لقمه مسلط گرداند خدای تعالی بر تن او ماران و کژدمان و هرکه حاجت
او برآورد چنان باشد که یاری کرده بود بر خرابی اسلام و هرکه او را قرض

دهد چنان باشد که یاری کرده باشد بر قتل مؤمنان و هرکه خمر خورد و او را دختر
دهد و اگر بیمار شود عیادتش مروید و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرموده است که لشکران عروس شیطان یعنی مست عروس شیطان است
شرم باد آن شخص که بپرده عفاف خود زن دیو کرداند و دیگر حضرت فرموده
است که بیاید خمر خواره در روز قیامت روسیاه و ازرق چشم بود و
از زبان او به خون و ریم روان بود چنانچه همه اهل عرصات از گنده بوی دهان
او بفریاد آیند و دیگر فرمود سلام بر خمر خواره مدهید و چون بیمار شود به
پرسیدن او مروید و چون وفات کند نماز او را مکنید که بت پرست بوده
و در روایت صحیح آمده که روزی جمع از صحابه از امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب
علیه السلام سؤال کردند که یا امیر المؤمنین تا چه غایت از خمر پرهیز باید کرد
حضرت علی علیه السلام فرمود ای مؤمنان اگر یک قطره خمر در چاه افتد و آن
چاه را پر از خاک کنند و هزار سال بر وی بگذرد و بعد از آن جایگاه بیابان خاک شود سالی
و سر آنجا علف بروید و آن علف را گوسفندی بخورد و در میان گله گوسفندی
برود من هیچ یک از گوشت گوسفندان آن رمه را نخورم و اگر یک قطره خمر
باشد اول او در مشرق و آخر آن در مغرب باشد و دریای نیل آن قطره خمر

باشد من جهار شتر اول را بدست خود بکیرم و دیکر حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه وآله وسلم فرموده است که من شرب الخمر فی الدنیا لم یشرب فی الآخرة
من الکوثر الا من تاب مات علی التوبة یعنی هرکه خمر بخورد در دنیا نخورد از آب
کوثر در آخرة مکر آنکه توبه کند وبر توبه بمیرد **بیت** مخور خمر کو پلید آمده ÷
به بد بدتر همه ز دو بد پدید آمده ÷ که هرکه بدنیا خورد خمر شوم ÷ ز کوثر یقینی دان ابعد آمده ÷
فصل [illegible] در بیان بنک خواران و قماربازان حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم فرموده من اکل فی البنج فکانما زنا مع امه سبعین مرة ومن الزنا
مع امه مرة واحدة فکانما هدم الکعبة سبعین مرة یعنی هرکه یک لقمه بنک بخورد
چنان باشد که با مادر خود هفتاد بار زنا کرده باشد و هرکه یکبار با مادر
خود زنا کند چنان باشد که هفتاد بار خانه کعبه را خراب کرده باشد دیکر
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که من اکل البنج ومات هذا
یحشر یوم القیمة مکتوبا بین جبهته ملعون آیس من رحمة الله یعنی هرکه بنک
بخورد و بمیرد بر جبینش خدای تعالی او را روز قیامت بکالبی که نوشته باشد
در پیشانی او که این شخص مرید است و ملعون و ناامید است از رحمت
خدای تعالی و بعضی از مفسران کفته که شجرة الملعونه که خدای تعالی در کلام مجید

یاد

یاد کرده است مرادش بنک است بدرستیکه چنار از خشم مردمان ببرد
و ببرباید ایمان را در وقت مرک **بیت** بپرهیز از بنک کو شد حرام ÷
چنار از حقیقت رباید تمام ÷ به هفتاد بار از ویرا بتر بود ÷ بمادر زنا کردن
ای نیک نام **فصل نهم** در بیان قمار و نرد و شطرنج حضرت رسول صلی
الله علیه وآله وسلم فرمود که من لعب بالنرد والشطرنج فکانما غمس یده
فی دم الخنزیر یعنی هرکه نرد یا شطرنج بازد چنان بود که دست خود را بخون
خوک آلوده کرده باشد و دیکر حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرموده است
کلما الهیکم عن ذکر الله فهو حرام یعنی هر چیزی که باز دارد و مشغول کرداند
شما را از یاد حق تعالی آن حرام بود نرد و شطرنج ازین قبیل است و دیکر
حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرموده لا تدخل الملائکة بیتا وفیه خمرا
او دفا او طنبورا او نردا ولا تستجاب دعائهم وترفع الله عنهم البرکة یعنی
در دنیا ملائکه نیاید بر خانه که خمر یا دف یا طنبور یا نرد باشد و مستجاب
نشود دعای اهل خانه او و بردارد خدای تعالی برکت آن خانه را **بیت**
شطرنج قمار نرد شیطان میدان   بپرهیز کن و بقول یزدان میدان
زیرا که حرام است پلید است درست ÷ و ذکر خدای باز دارد میدان ÷

باب دوم در بیان صفت بهشت و دوزخ و اهل آن و این باب مشتمل بر دو فصل

فصل اول در بیان صفت بهشت حق سبحانه و تعالی در تنزیل میفرماید
که متکئین فیها علی الارائک لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا یعنی اهل بهشت
تکیه میکنند بر تختهای آراسته و نه بینند در آن بهشت آفتاب و زمهریر یعنی
سخت و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هرکه در آید در بهشت
زنده بود در آنجا هرگز نمیرد و در آن نعمت باشد که هرگز آخر نشود و جامهها
او کهنه نشود و هرگز پیر نشود صحابه عرض کردند که یا رسول الله حق تعالی بنای
بهشت را از چه چیز نهاده است حضرت فرمود که یک خشت از زر سرخ
و یکی از نقره سفید و بجواهر مرصع و ملاطه او از مشک خوشبوی تر بود و خاک
او از زعفران باشد و ریگ او از لؤلؤ و یاقوت بود و دیگر خواجه عالم صلی
الله علیه و آله فرموده معنی حدیث بفارسی آنست که بدرستیکه اهل بهشت
خورند و بیاشامند و ایشان را بول و غایط نبود و آب بینی نبود مثل
عرق از ایشان بیرون آید از مشک و از زعفران خوشبوتر بود و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرموده معنی حدیث بفارسی آنست فرمود
در شب معراج کوشکی دیدم از یاقوت سرخ او را چهار دیوار بود از زر
سرخ که از مشرق تا بمغرب و او را چهار جوی بود یکی از عسل و یکی از خمر

و یکی

و یکی از شیر و یکی از آب کوثر و دیدم درختهای بسیار که تنه آن درخت
از زر سرخ بود و برگهای او از حله بهشت و بر هر برگ او نوشته بود لا اله
الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و دیگر حق جل و علا میفرماید که مثل الجنة التی
وعد المتقون فیها انهار من ماء غیر آسن و انهار من لبن لم یتغیر طعمه و انهار
من خمر لذة للشاربین و انهار من عسل مصفی و لهم فیها من کل الثمرات
و مغفرة من ربهم یعنی بهشت را وعده کرده است برای پرهیزکاران
که در آن بهشت جویها باشد از خمر خوشتر بود از برای خورندگان
و جویها باشد از عسل مصفی پاکتر از برای ایشان باشد و در آنجا هرچه
خاطر ایشان طلبد و از هر میوه آرزوش بود ایشان را و در آنجا آمرزش از پرور
دگار ایشان **بیت** جنت الفردوس را دان ای پسر ÷ حق تعالی آفریده
از زر ÷ قصرهایش لعل یاقوت است زر ÷ خاک او کافور و عنبر یک لخت
باشد گهر ÷ از برای مؤمنان متقی آراسته ÷ اینچنین آمده در اخبار
گزین خیر البشر **فصل دوم** در بیان صفت دوزخ و اهل آن حق تعالی و علا
میفرماید و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لکل باب منهم
جزء مقسوم یعنی بدرستیکه جهنم جایگاه و مقام کافران است که وعده کرده

چون شنیدم دوزخ هفت در است از هر دری تا دیگری مسافتی است و در او ده
دارد هر داری هفتاد هزار سراپرده است از آتش و در هر سراپرده هفتاد هزار
گنبد است از آتش و در هر گنبدی هفتاد هزار شهر است از آتش و در هر شهری
هفتاد هزار برج است از آتش و در هر برجی هزار کشتزار است از آتش و در هر
کشتزاری هفتاد هزار روم است از آتش و در هر رومی هفتاد هزار بند است
از آتش و در هر بندی هفتاد هزار [illegible] و در هر دری هفتاد هزار فرشته است
از آتش که آتش جهنم را می افروزانند و در روایت حضرت موسی علیه السلام
وارد است که حق تعالی فرمود یا موسی دوزخ را هفت طبقه آفریده ام و در هر
طبقه هفتاد هزار وادی است و در هر وادی هفتاد هزار شهر است و در هر شهری
هفتاد هزار کوشک است و در هر کوشکی هفتاد هزار خانه است و در هر خانه هفتاد
هزار تابوت است از آتش و در هر تابوت هفتاد هزار کژدم است و هفتاد هزار مار
و هر کدام بزرگ چند کوه طور است یا موسی همه خزانه را و غلطان را دیدم که یک
از بنا هزاران بار دشمنی چیستان را جمع کرده ام بر پیشانی آن ماران و آن کژدمها
که نوشته بر پیشانی ایشان تا بدانند که کناهای حق بوده است و بیمزدان بر حق اند
باز دیگر حق تعالی خطاب کرد که یا موسی میخواهی که صفت دوزخ را با تو بیان

کنم

کنم حضرت موسی عرض کرد آری ای پروردگار من جواب آمد یا موسی دوزخ را
هفت طبقه آفریده ام زبر یکدیگر آنچه اگر هفت آسمان و هفت زمین را
در خورده تیرین دوزخ اندازم چنان بود که انگشتری بر دریای محیط انداخته
باشند نمایان نشود و دیگر خطاب کرد یا موسی اگر بفرمایم یک شخص از
دوزخ بیرون آورند در مشرق باشند تمام اهل مغرب از گرمی آتش او
بمیرند و بسوزند یا موسی آنچه حال دوزخ را شنیدی از هزار یک را با تو بیان نه
کردم و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که در شب معراج حق تعالی
دوزخ را بمن نمود که جمع فرشتگان را دیدم که ایشان را زبانیه دوزخ خوانند که
با هیبت و ازرق چشم و هر یک را گرزی از آتش در دست ایشان بود و اهل
دوزخ را عذاب سخت میکردند قومی را دیدم که لبهای ایشان را بگاز بریده
بودند و قومی را پشت و پهلو داغ میکردند و قومی را دیدم که چشمهای ایشان
داغ میکردند و بیرون میکردند و بعضی را از زنهاد دیدم که از پستانهای
ایشان را آویخته بودند و بعضی را دیدم که زبانهای ایشان را از قفا کشیده بودند
و بعضی را غلهای آتشین بر گردن نهاده بودند و در روایت صحیح آمده
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که روزی از در حجره بیرون

علیه السلام احوال دوزخ را پرسیدم در جواب عرض کرد یا رسول الله بدانکه خدای
که تو را براستی بخلق فرستاده است که اگر از آتش دوزخ یک ذره بر زمین افتد
هر چه در دنیاست همه بسوزد و اگر از آن آب که از برای دوزخیان آفریده است یک قطره
بر زمین بچکد جمله طعامها و شرابها تلخ گردد و اگر یک جامهٔ دوزخیان را در
میان آسمان و زمین بیاویزند اهل مشرق و مغرب از گند بوی آن بمیرند ❊
دوزخ بهمار سوزان آفرید ❊ از برای کافران زشت پلید ❊ هم برای جیان و
فاسقان ❊ اندر دنیا عذاب شدید **باب ششم** در بیان بعضی چیزها
که خدای تعالی واجب و لازم گردانیده است بر بنده کان خود و بعضی قولی
و بعضی فعلی اول معرفت خودش را جل جلاله واجب و لازم گردانیده است
بر بنده کان خود و بعضی قولی و بعضی فعلی چنانکه فرموده است و ما خلقت
الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون یعنی نیافریدم پری و آدمی را
مگر آنکه مرا بپرستند یعنی مرا بشناسند اگرچه کمال و معرفت او [illegible]
کردن اما اعتبار از آثار او باید گرفت چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرموده لا تفکروا فی ذات الله یعنی فکر و اندیشه در کنه و حقیقت خدای تعالی
مکنید [illegible] در مصنوعات او [illegible] بیت العقاب [illegible]

نور راه ❊ عقل تو بود در ستر ملکوت آگاه ❊ هر شب بر استقامت تو دلیل ❊
هر ذره بر انتظام لطف تو گواه ❊ دوم تصدیق کردن حضرت محمد المصطفی
صلی الله علیه و آله بازداشتن آنچه که آنجناب امر و یا نهی کرده است چنانکه
در کلام مجید میفرماید و ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا آنچه
حضرت فرموده است آن خبر را بشما میرساند از او امر فرا گیرید و بدان
کار کنید و از آنچه شما را نهی میکند و باز دارد باز ایستید و ترک آن کنید
دوم با شیطان دشمنی کردن است چنانکه در کلام مجید خود فرموده است
که ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا یعنی بدرستیکه شیطان دشمن شما
است پس شما هم با وی دشمنی کنید دیگر وضو ساختن است چنانکه
فرموده که یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم
الی المرافق و امسحوا برؤسکم و ارجلکم الی الکعبین یعنی ای کسانی که ایمان آورده
اید بخدا و رسول اول چون برخیزید برای نماز بشوئید رویهای خود را
و دستهای خود را با مرفق و مسح کنید بعضی از سرهای خود و پایهای خود را تا کعبین
غسل دیگر غسل جنابت کردن است چنانکه فرموده است و ان کنتم جنبا فاطهروا
یعنی چون جنابت شما را غسل کنید با آب پاک کنید و بعد نماز

گذاردن است چنانکه فرموده است که ان الصلوة کانت علی المؤمنین
کتابا موقوتا یعنی بدرستیکه نماز کردن واجب است بر مؤمنان در وقتها
معین که بامداد و پیشین و پسین و شام و خفتن است و دیگر زکوة
مال را دادن است چنانکه فرموده است که اقیموا الصلوة واتوا الزکوة
یعنی بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و دیگر زیارت خانه کعبه را
کردنست اگر توانا داشته باشد چنانکه فرموده است ولله علی الناس
حج البیت من استطاع الیه سبیلا یعنی خدا راست بر مردمان قصد زیارت
خانه کعبه را کردن کسی را که توانائی داشته باشد و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله فرموده ایها الناس قد فرض الله علیکم الحج
فحجوا یعنی ای مردمان بدرستیکه خدای تعالی فرض کرده است بر شما
زیارت خانه کعبه را پس زیارت کنید و دیگر روزه ماه مبارک رمضان
داشتن است چنانکه فرموده است یا ایها الذین امنوا کتب علیکم
الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ایاما معدودات
یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید [illegible] نوشته شده است
[illegible] بر کسانیکه پیش از شما بودند و دیگر جهاد کردن است

با کفار

با کفار چنانکه فرموده است که اقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم یعنی بکشید
مشرکان و کافران را هر جا که یابید و دیگر فرموده است یا ایها النبی جاهد الکفار
والمنافقین یعنی ای رسول من جهاد کن با کافران و منافقان و دیگر راست
گفتن است چنانکه فرموده است واذا قلتم فاعدلوا یعنی چون سخن گوئید
راست گوئید و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است
که علیکم بالصدق یعنی بر شما باد سخن راست گفتن و دیگر چشم را نگاه
داشتن است چنانکه فرموده که قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا
فروجهم یعنی ای حبیب من بگو مؤمنان را که چشم را نگاه دارند از جایها
که نباید نگریست بزنان و فرزند مؤمنان و از معاصی بپرهیزند و حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است که زنا العین النظر یعنی زنای
چشم نظر کردن است بحرام و دیگر گوش و چشم و دل را نگاه باید داشت
چنانکه فرموده است ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه
مسئولا یعنی بدرستیکه گوش و چشم و دل را سؤال کنند و پرسند که چرا چیزی
شنیدی که رضای خدای تعالی در آن نبوده و ای دل چرا اندیشه بد
کردی و ای چشم چرا بحرام نگاه کردی و دیگر حلال خوردن [illegible]

حق تعالی فرموده است کلوا من طیبات ما رزقناکم یعنی بخورید از پاک
از آنچه روزی داده ایم شما را و دیگر فرموده است حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم طلب الحلال فریضة یعنی نفقه و پوشش حلال فریضه است
دیگر توکل بر خدا کردن است توکلت علی الحی الذی لا یموت یعنی توکل
کردم بر خدای که زنده است و مرگ برو روا نیست کافی است بهمه کارهای
دینی و دنیوی و دیگر رضا دادن بحکم خدای تعالی و صبر کردن است فاصبر
لحکم ربک یعنی صبر کن بر هر چه خدای تعالی حکم کرده است و رضای او طلب
کن و دیگر شکر نعمت خدای تعالی کردن است چنانچه فرموده است کلوا
من رزق ربکم واشکروا له یعنی بخورید از روزی پروردگار خود و شکر نعمت
او کنید و دیگر صبر کردن به بلای او چنانچه فرموده است اصبروا وصابروا
یعنی صبر کنید و صابر باشید در هر غمی که بشما رسد از جهت خدای تعالی دیگر
فرموده فاصبر کما صبر اولوا العزم من الرسل یعنی صبر کن ای حبیب من چنانکه
پیغمبران کردند و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده یعنی خداوند
قال الله تعالی من لم یرض بقضائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یصبر علی بلائی فلیطلب
ربا سوائی یعنی هر کس که راضی نشود بر حکم من و شکر نکند به نعمتهای

و صبر کنند بر بلای من پس بگو طلب کنند پروردگاری غیر از من و بیرون رود
از زمین و آسمان من بیت آنکه راضی نیست بر حکم قضا یا نباشد
شاکر اندر نعما یا که صبرش نیست نزدیک بلا گو بجو پروردگار جز خدا
و دیگر توبه کردن است چنانچه فرموده است که توبوا الی الله جمیعا یعنی
توبه کنید و بخدای تعالی باز گردید و فرمان او را بجا آورید چنانچه ما گناه
نروید و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که عجلوا بالصلوة
قبل الفوت وعجلوا بالتوبة قبل الموت یعنی بشتابید بنماز قبل از فوت و
بتوبه پیش از مرگ دیگر کارها به نیت خیر کردن است چنانچه فرموده است
قل کل یعمل علی شاکلته یعنی بگو ای رسول من هر که عمل کند همه به نیت خویش
آن باشد که طاقت و طبع باشد و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرموده که انما الاعمال بالنیات یعنی همه عملها به نیت است اصل اعمال
نیت نیکوست دیگر طاعتها به اخلاص کردن است چنانچه فرموده است
وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین یعنی نفرموده اند ایشان را مگر
پرستند خدای عز و جل با اخلاص بیت چنین گفت زبدهٔ رسولان خدا
که اخلاص اندر عملها گزین که بنده باخلاص باید بجا [illegible]

نکو مخصوص و پاک دین … دیگر امانت را بخداوندش رسانیدن است چنانکه فرموده
است که ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی بدرستیکه خدای تعالی
فرموده است شما را که برسانید و ادا کنید امانت را بصاحبش و دیگر با
برادران مؤمن با مواسات زنده کانی کردن است چنانکه خداوند عالم
فرموده است که انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم یعنی بدرستیکه مؤمنان
برادر یکدیگرند پس صلح کنید میان برادران خود و دیگر طلب کردن علم
است چنانکه فرموده است ائتوا برهانکم ان کنتم صادقین یعنی بگو ای محمد صلی الله
علیه و آله بیاورید حجتهای شما را اگر شما راست گویید یعنی که فردا روز قیامت
سؤال خداوند حجت و صواب داشته باشید تا از جمله راست گویان باشید
و دیگر امر معروف نهی از منکر کردن است چنانکه خداوند عالم فرموده است
و امر بالمعروف وانه عن المنکر یعنی بفرمای مردمان را به نیکوی و باز دار از
معاصی و دیگر مرگ را پیشه داشتن است چنانکه خدای تعالی فرموده است
که قل یتوفیکم ملک الموت الذی وکل بکم یعنی بگو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم
که … چنین بدانید که قبض روح میکند شما را ملک الموت که موکل است
خلاق … بکار فرمان حق ای پسر اگر خوف داری از نار سقر ز فرمان

و ز مرگ غافل مشو که تا که در آیا رضوان … باب هفتم در بیان بعضی
چیزها که خدای تعالی نهی کرده است بعضی را قولا و بعضی را فعلا و این باب
مبنی بود بر هر فصل فصل اول در بیان شرک آوردن بخدا است چنانکه
فرموده است و من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة یعنی شرک
آوردن بخدای تعالی بتحقیق که حرام گرداند خدای تعالی بهشت را بر وی
و جاوید در دوزخ بماند و دیگر خود را از نگاه داشتن است از مرتد شدن
چنانکه فرموده است و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر یعنی
هر که مرتد شود از شما از دین خود پس بمیرد او کافر است و جای او
در دوزخ باشد و دیگر نهی کرده است از خون ناحق کردن چنانکه
فرموده است که یا ایها الذین امنوا لا تقتلوا النفس التی حرم الله الا
بالحق یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید بخدا و رسول قصد کشتن کسی
نکنید که حرام گردانیده است خدای تعالی خون او مگر بحق و دیگر نهی
کرده است از زنا کردن چنانکه فرموده است و لا تقربوا الزنا انه
کان فاحشة و مقتا و ساء سبیلا یعنی نزدیک زنا مگردید که آن
… بزرگ است بخدا و بجرمی شریعت … رسول خدا



صلی الله علیه وآله ودیگر نهی کرده است از ربا خوردن و ربا دا
دن را هستید شما ایمان آورندگان بخدا و رسول دیگر نهی کرده است
که بناحق مال یکدیگرا خوردن چنانچه فرموده است ولا تأکلوا اموالکم بینکم
بالباطل یعنی مخورید مالهای یکدیگرا چنانچه فرموده است بناحق
و باطل مال یکدیگرا مخورید دیگر نهی کرده است از خمر خوردن چنانچه
یاد کردیم دیگر از فساد نهی کرده است چنانچه فرموده است والله
لا یحب الفساد یعنی خدای تعالی دوست نمیدارد فساد را و آن مشغول
می شوید که برکت را از عمر و نعمت شما را بر میدارد و دیگر نهی کرده است
از خیانت کردن چنانچه فرموده است ولا تخونوا الله والرسول و تخونوا
اماناتکم وانتم تعلمون یعنی خیانت مکنید بخدا و رسول و در هیچ چیز از شما
میدانید که خیانت زشت است باید دل و زبان را نگاه باید داشت
از خیانت دیگر نهی کرده است از غیبت کردن چنانچه فرموده است
ولا یغتب بعضکم بعضا یعنی غیبت باید مکنید بعضی از شما بعضی را
که گوشت برادر مسلمان را خورده باشید و نیز حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرموده من اغتاب مؤمنا بطل صومه و نقض وضوء

یعنی کسی که غیبت مؤمنی را بکند باطل است روزه او و بشکند وضوی او
دیگر فرموده است الغیبة اشد من الزنا یعنی غیبت کردن بدتر است
از زنا کردن دیگر نهی کرده است از ایذا و بد روی مادر چنانچه فرموده است
فلا تقل لهما اف یعنی مگوئید پدر و مادر را لفظ اف دیگر نهی کرده است
از اسراف کردن چنانچه فرموده است المسرفین هم اصحاب النار یعنی اسراف
کردن یعنیه خوردن و جمع کردن و جای اسرافان در آتش دوزخ باشد
دیگر نهی کرده است از گمان بد کردن در حق مسلمانان چنانچه فرموده است
اجتنبوا من الظن ان بعض الظن اثم یعنی بپرهیزید از گمان بد بردن
بدرستیکه بعض گمان گناه است و بهتان عظیم باشد دیگر نهی کرده است
از افسوس داشتن بر مسلمانان چنانچه فرموده است یا ایها الذین آمنو
لا یسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرا منهم یعنی آنکسانی که ایمان آورده اید
بخدا و رسول بپرهیزید از افسوس داشتن بر کسی که شاید خدای تعالی او را شاید
که او از تو بهتر باشد دیگر نهی کرده است از خواندن مردمان بلقب و نام
زشت نخوانید و نام بد بر کسی منهید که فسق بدنامی تمام است دیگر نهی
کرده است از متابعت هوای نفس کردن را چنانچه فرموده است [illegible]

عن الهوی فان الجنة هی المأوی یعنی آنکس که باز دارد نفس خود را از
هوا و هوس و هوای نفس خود کار نکند پس بدرستیکه جای او در بهشت باشد
و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که بدترین بندگان خدا آن قومند
که در زمین بهوای نفس خود را پرستند و دیگر نهی کرده است ایمن بودن از
عذاب الله چنانکه فرموده است که الا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون
یعنی ایمن نباشند از عذاب الله مگر قوم خاسران و کافران باشند و دیگر
نهی کرده است از رحمت حق نومید بودن چنانکه فرموده است و لا تیأسوا
من رحمة الله انه لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون یعنی نومید نشوید
از رحمت خدای تعالی که نومید نمیشود از رحمت خدا مگر کافران و دیگر
نهی کرده است از پیروی شیطان چنانکه فرموده است و لا تتبعوا خطوات
الشیطان انه لکم عدو مبین یعنی متابعت شیطان مکنید و بجای خود حاجی
نشوید بدرستیکه شیطان بر شما دشمن هویداست و دیگر نهی کرده است از گواهی
دادن بدروغ چنانکه فرموده است و من یکتمها فانه آثم قلبه یعنی هر که پوشد
گواهی را پس دل او گناهکار و عاصی باشد و چنان باشد که گواهی بدروغ داده است
و گواهی بدروغ دادن با بت پرست برابر باشد بحکم حدیث جناب نبوی

کوشید

که شهد بالزور کعابد الوثن یعنی کسی که شهادت بدروغ دهد چنان کسی است
که عبادت بت کرده است و دیگر فرموده است لا یشهد بالزور الا
منافق یعنی گواهی ندهد بدروغ مگر منافق پس پرهیز باید کرد از گواهی دادن
بدروغ و دیگر نهی کرده است از دروغ گفتن چنانچه فرموده است ویل
للمکذبین یعنی دوزخ در روز قیامت جایگاه دروغ گویانست و دیگر رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است الکاذب عدو الله یعنی دروغ گو
دشمن خداست و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
لا کبیرة اکبر من الکذب الا الشرک یعنی هیچ گناه از دروغ بزرگ تر نیست
بخدای تعالی مگر شرک آوردن که آن از همه گناهان بزرگتر است حیث
چو از شرک بگذشت بدتر گناه ۞ میان کبائر دروغ است آه ۞ زبانت بگردد
اگر بر دروغ ۞ که باشد رخت در دو عالم سیاه ۞ فصل دوم در بیان ظالمان
بدانکه خدای تعالی غافل از حال ظالمان نیست چنانچه فرموده است و لا تحسبن
الله غافلا عما یعمل الظالمون یعنی گمان مبرید آنچه میکنند ظالمان خدا از آن
غافل است از عمل ایشان و نیز خدای تعالی بر ظالمان لعنت کرده است
چنانچه فرموده الا لعنة الله علی الظالمین یعنی بدرستیکه لعنت خدا

خدا بر ظالمان یعنی از رحمت خدا دور شوند ظالمان و زشت ترین صورة
بر انگیزانند در روز حشر چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است اذا حشر الظالمون یوم القیمة فی صورة الذئب یعنی ستمکاران
ظالمان را بر انگیزانند روز حشر بر صورة گرگ و دیگر حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرموده که من سلم ظالما اختیارا اطار نور الایمان عنه
لا یرجع اربعین یوما یعنی هرکه باختیار خود سلام و هد ظالم را برود نور ایمان
از وی باز نگردد تا چهل روز نسل ظالم در دنیا باقی نماند رود و منقطع شود بیت
از ظلم شد معاویه را نسل منقطع ... و ز عدل ماند نام علی زنده در جهان
دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که یوم المظلوم علی الظالم
اشد من یوم الظالم علی المظلوم یعنی در روز قیامت داد مظلوم را از ظالم
گرفتن سخت‌تر باشد از روزی که ظالم بر مظلوم کرده باشد و در روایت آمده
است که اگر شخصی را در روز قیامت ثواب هفتاد هزار پیغمبر داشته باشد
و او را خصمی باشد برابر نیم دانه یعنی یک حبه بار دارند او را به بهشت
نبرند تا خصم خشنود نکرده باشد و دیگر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
و سلم فرموده است که الظلم ظلمات یوم القیمة یعنی ظلم تاریکیها بود در روز

قیامت

قیامت و دیگر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده است که الظلم
الظالم یقوده الی الهلاک یعنی ظلم ظالم را بکشد بهلاک یعنی بدوزخ و دیگر
فرموده است که من تکبر علی الناس ذل یعنی هرکه تکبر کند بر مردمان خوار
شود بیت چون یقین شد که بایدت رفتن بگور ... پس مکن با مردم اصلا
ظلم و زور ... زنده کانی الجنان کن در جهان ... گر تو آزرده نکردی هیچ مور
و دیگر آنجناب فرموده است که یوم العدل علی الظالم اشد من یوم الجور علی
المظلوم یعنی روزی که ظالم را رسوای عدل کنند سخت‌تر بود از روزی که جور
و ستم کرده باشد و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
که اکثر اهل النار المتکبرین یعنی بیشترین اهل دوزخ متکبران باشند یعنی
ظالمان پس تحقیق و یقین باید دانست که هیچ گناه بدتر از ظلم نیست و به
اثم عظیم دارد بعد از مرگ هیچکس یاد و نیکی نکند بیت ویران ملک ظالم و دوران
طاعتش ... چندان بود که بر آید روان او ... هر کس که ظلم خانه مردم
خراب کرد ... آباد بعد از آن نشود خانمان او باب ششم در بیان ادب
متعلم با عالم و آداب پدر و مادر و این باب مبنی بر دو فصل فصل اول
در بیان احوال عالم بدانکه عالم باید که پیر دانا و نیکو خوی باشد و در ...

بابد به آهستگی بود و پیوسته سر در پیش دارد که هر سببی هیبت و حرمت
نه هر سببی تکبر و عجب و هیچ کس از خلق خدا تکبری نکند مگر بر ظالمان
و بر کسی که از اهل تکبر باشد زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است که التکبر علی اهل التکبر عبادة یعنی تکبر کردن بر اهل تکبر عبادت
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که التکبر مع
المتکبر صدقة یعنی تکبر کردن با تکبر کننده صدقه دادن است و دیگر آنکه
بسیاری عبادت نکند که هیبت او از دل شاگردان برود و باید که
با رفق و سلوک کند و چون شاگردان از و سؤال کنند با ایشان
درشتی نکند و جواب ایشان را با صواب گوید و اگر سؤال ایشان غلط
بود با اصلاح در آورد و با ایشان خشم نکند و اگر جواب آن سؤال را
نداند ننگ ندارد از آنکه گوید ندانم و شاگردان را باز دارد از طلب کردن
علمی که او را سودمند نیست و ایشان را بر علمی مشغول گرداند که ایشان را سود
مند بود و آن علم الهیست که ظاهر و باطن ایشان را از چیزهای ناشایست
نگاه دارد و ایشان را از دنیا بطرف آخرت خواند و از جهالت بعلم و از فساد
به صلاح آورد زیرا که معلمی کار پیغمبران و فرشتگان است و حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که بهترین بندگان نزد خدای
تعالی بعد از پیغمبران و عالمان و شهیدان معلمان اند و بعد از مسجد در روی
زمین هیچ جا فاضلتر از مکتب خانه نبود که آن خانه ایست که در آنجا قرآن خوانند
و قرآن آموزانند بیت بیا نور ده عالم با صفا تو شاگرد را ده ز علم و سخا
تعلیم کن الفاظ را که در آخرت بیابی بهشت نعیم از خدا فصل دویم در بیان آداب
متعلم با عالم بدانکه از آداب شاگردان است که استاد را دوست دارد و چون
او را ببیند سلام کند بر او و در حالی که استاد نشسته باشد او نشیند و اگر
در پیش او بنشیند بدو زانو در پیش او بنشیند و در وقت سلام گفتن آواز
خود را بلند نکند و سخن کمتر گوید و از هر مسئله نپرسد تا از او دستور نخواهد
و چون جواب گوید اعتراض نکند و نگوید که خلاف گفته این بهتر است
و در پیش وی هیچ کس را راز نگوید و هیچ چشم در پیش او نبود و اگر استاد
با وی سخن گوید چشم بر وی دارد و از هر جانب نگاه نکند و با حرمت بنشیند
و چون استاد را ملال بگیرد مسئله نپرسد و درس خواندن الحاح نکند و چون
بر زبان خیر و نعلین او را گذارد و در عرض راه سؤال نکند و با همه
و استاد هر کس خدمتی فرماید استاد را تقدیم دارد زیرا که استاد بزرگ

است بحکم حدیث نبوی که افضل الآباء اب العلم یعنی فاضلترین و بزرگترین
پدران پدر علم است و جای دیگر فرموده است الآباء ثلث اب ولدک
واب زوجک واب علمک وخیر الآباء من علمک یعنی پدران سه قسم اند یکی
انکه تو ازو متولد شده و یکی پدر زن تست و یکی انکه ترا علم اموخته
است و نیکوترین آن پدران انست که ترا علم اموخته است و دیگر وارد
است که اللهم اغفر للمتعلمین واطل اعمارهم الی آخره و دیگر وارد است اللهم
اغن العلماء والفقراء والمتعلمین و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است
که افضلکم من تعلم القرآن ثم علمه یعنی فاضلترین شما انکس است که قرآن بیاموزد
و بعد ازان بدیگران بیاموزاند و در جای دیگر فرموده است که اکرموا ولو
کان فاسقا یعنی بزرگ و گرامی دارید استاد را اگر چه فاسق باشد و حقیر نباید
داشت زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که من
حقر استاذا ابتلی بالفقر یعنی هر که استاد خود را عزیز و گرامی ندارد بلکه
خوار و حقیر شمارد و فراموش کند آنچه در پیش او خوانده است پس باید استاد را
بمال و جان خدمت کند و چون بدر خانه او رود او را آواز نکند بلکه منتظر
بنشیند تا خود بیرون آید و طریق حرمت و ادب نگاه دارد و چون استاد

نگاه

نگاه فرماید بجان و دل و اراده تمام قیام و اقدام نماید با تواضع تمام استاد را
گرامی و بزرگ دارد و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
که ابناء الکرام اذا تعلموا تواضعوا و ابناء اللئام اذا تعلموا تکبروا یعنی بزرگ
زادگان چون علم بیاموزند تواضع و فروتنی نمایند با همه کس خصوصا
با استاد خود و فرومایه گان و حرام زادگان چون علم بیاموزند تکبر
کنند و باید که پیش استاد خود چون بندگان خدمت بجا آورد که
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که من علم عبدا من الکتاب
آیة فهو مولاه یعنی هر کس بیاموزاند آیتی از کلام خدای تعالی پس مولی
و خواجه آنکس است پس خدمت استاد کردن واجب و لازم است بیت
حق استادی بود افضل از حق پدر ※ ای جبین آمده را خاک زمین افسر
کرد ان عزت استاد مبدان تو یقین ※ که فراموش تو کرده آنچه خواندی
سبب سر فصل نهم در بیان آداب فرزندان با پدران و مادران بدانکه
طریق راه فرزندی باید رو داشت انست که هر چه پدر و مادر گویند
و قبول تمامتر بشنود و بدان قیام و اقدام نماید زیرا که خدای تعالی فرموده
ان اشکر لی ولوالدیک یعنی شکر کن مرا که خداوند توام و شکر پدر و

و مادر خود را باید بواجبی بجا آورد و با ایشان سخن بتواضع و نرمی گویید زیرا
که خدای تعالی فرموده است فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا کریما یعنی مر
پدر و مادر را سخت مگویید و بانگ بر ایشان مزنید و چون او را نیز گویند لبیک
بگویید و رضا دادن ایشان بکنید که رضای ایشان برضای خدای تعالی
پیوسته است زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است
که رضاء الله رضاء الوالدین یعنی رضای خدای تعالی رضای والدین است
بیت: گر تو میخواهی رضای کردگار ؛ رو رضای والدینت گوش دار
گر دل ایشان ز تو خشنود شد ؛ گردی اندر روز محشر رستگار ؛ و چون
با ایشان نکوی کنید منت منهید و چون برخیزید از خواب در پیش ایشان
مروید و بروی ایشان تیز نگاه مکنید و در پیش ایشان ابروها فراهم
نکشید و در روی ایشان خندان باشید و بی دستور ایشان سفر مکنید
حقوق خصوصاً رضای مادر بسیار رعایت کنید و نیکو خدمت او را بجا آورید
زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است الجنة تحت
اقدام الامهات یعنی بهشت در زیر قدم مادران است بیت: جنت که سرای
جاودانی است ؛ زیر کف پای مادران است ؛ خواهی که رضای حق بیابی

آن

آن کن که رضای مادر آن است ؛ بیت: هر که را مادر بود اندر حیات
بیشتر فرزندش بود راضی بذات ؛ جنت آید پیش که آید بهشت
از خدا او آخرت یابد یقین است ؛ بیان: و در بیان اکرام الضیف بدانکه مهمان را
بزرگ گرامی باید داشتن چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم
فرموده است الضیف اذا نزل نزل برزقه واذا خرج خرج بذنوب اهل
یعنی مهمان چون فرود آید ببقای روزی خود بیاورد و چون از آن مقام
بیرون رود گناه اهل خانه را بیرون برد و دیگر حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرموده و من لم یکرم ضیفه فلیس منی یعنی هر کس گرامی
ندارد مهمان را او از امت من نباشد و دیگر حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرموده است البشاشة فی وجه الضیف احب الی الله
من عبادة مائة نبی یعنی خوشخوی بودن بروی مهمان و خندان شدن
نزد خدای تعالی بهتر است نیکوتر است از عبادة صد پیغمبر و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اکرموا الضیف ولو کان کافرا یعنی
گرامی دارید مهمان را اگرچه کافر باشد و دیگر حضرت رسول صلی الله
علیه وآله وسلم فرموده است که اکرموا الخبز فانه کرامة من

یعنی گرامی دارید غریبان را بدرستیکه من در بزرگی غریب افتادم بیت
گرامی بدارید مرد غریب ✽ ز خلق زمستان و بیند نصیب ✽ که اینجا بزرگی رسول
امین ✽ ز مکه غریب فتادم غریب فصل دوم در بیان گرامی داشتن همسایه
بدانکه همسایه را عزیز و گرامی دارید زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است که من اکرم جاره وجبت له الجنة ومن اذاه فعلیه لعنت الله
والملائکة والناس اجمعین یعنی هرکه گرامی دارد همسایه را واجب میشود او را
بهشت و هرکه برنجاند او را پس برو باشد لعنت خدای تعالی و لعنت
فرشتگان و لعنت همه مردمان و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده است من اکرم جاره فکانما اکرم سبعین نبیا یعنی هرکس گرامی دارد
همسایه خود را چنان باشد که گرامی داشته است هفتاد پیغمبر را و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است من اذا جاره بغیر حق حرم الله علیه
ریح الجنة ومأواه النار هرکه برنجاند همسایه خودش را بنا حق حرام گرداند خدای
تعالی بروی بوی بهشت را و جای او در دوزخ باشد فصل سیم در بیان صدقه
دادن و در تواب دادن بدانکه صدقه دادن ثواب بسیار است بخشش خدای
تعالی که فرموده است من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هرکه

یک نیکی بجا آورد برای رضا خدا پس ده نیکی مزد دیوان اعمال او نویسند
و دیگر حضرت حق تعالی فرموده است مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله
کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن
یشاء یعنی آنکسانی که نفقه میکنند مالهای خود را در راه خدا مثل است
که یک دانه را زراعت کنند هفت خوشه برویند و هر خوشه صد دانه بود
خدای تعالی اضعاف گرداند از برای هرکه خواهد یعنی هزار و چهار صد گردد
و دیگر جل جلاله میفرماید و ما عندکم ینفد وما عند الله باق یعنی آنچه نزد شما
است فانیست و آنچه نزد خدا است باقیست و دیگر حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرموده است الصدقة فی السر تطفی غضب الرب یعنی
صدقه را پنهان دادن می نشاند غضب پروردگار را و دیگر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که داووا مرضاکم بالصدقة یعنی دوا
کنید بیماران خود را بصدقه دادن اگر چه اندک باشد نزد خدای تعالی
بسیار بود چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است
الصدقة ترد البلاء و تزید فی العمر یعنی صدقه دادن باز دارد بلا را و زیاده
میکند عمر را بیت گر تو میخواهی که بر گردد بلا ✽ بخش بر خلق خدا...

زانکه از سید صح است السخی بهر تو خیرات شد رد بلا و دیگر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده الصدقة تمنع البلوی یعنی صدقه دادن
باز دارد و رنجها را ببرد و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده
است البخیل لا یدخل الجنة والسخی لا یدخل النار یعنی مرد بخیل در نیاید
به بهشت و مرد سخی در نیاید بدوزخ و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم فرموده است السخی لا یدخل النار ولو کان کافرا والبخیل لا
یدخل الجنة ولو کان مسلما یعنی مرد سخی باتش دوزخ داخل نشود اگرچه
کافر باشد و مرد بخیل داخل بهشت نشود اگرچه مسلمان باشد و دیگر
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است الکافر السخی
ارجی بالجنة من المسلم البخیل یعنی کافری که سخاوت دارد امیدوارتر
است به بهشت رفتن از مسلم که بخیل باشد و دیگر حضرت رسول
صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است که السخی فی جوار الله وانا رفیقه
والبخیل فی النار ورفیقه ابلیس یعنی سخی در جوار رحمت خدا باشد و من
رفیق او باشم و بخیل در آتش دوزخ باشد و ابلیس رفیق او باشد
و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است الجنة دار

الاسخیا

الاسخیاء یعنی بهشت جای سخاوت کنندگان است و دیگر حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است السخی قریب من الله و قریب
من الجنة و بعید من النار و الجاهل السخی احب الی الله من عابد بخیل
یعنی مرد جوانمرد نزدیک است بخدا از عابدی که بخیل باشد بیت
هست جنت جای آنکس کو سخیست ٭ زانکه هرکس بخل ورزد
از خیست ٭ مرد بخشنده رحیم مهربان ٭ رحمت حق لازم مرد سخیست
خاتمه در بیان معاصی اندام دل و عمل صالح بدانکه نصف دین
طاعت است و نصف از گناه دور بودن است و همه کس طاعت
بجا میتواند آورد اما از جمله گناهان همه کس احتراز نتواند کرد الا کم
بدانکه تمام اندام و اعضای تو در عرصات قیامت بتو گواهی خواهند
داد و ترا نزد خلایق رسوا خواهند کرد چنانکه خدای تعالی فرموده است
یوم تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون یعنی روزی
که گواهی میدهند زبانهای ایشان و دستهای ایشان و پایهای ایشان
آنچه کرده اند از اعمال بد و افعال ناشایست پس جمیع اعضای خود را
نگاه باید داشت از معاصی خاصه هفت اندام که آن چشم و گوش

دهان و دست و پای و شکم و فرج است چشم پس یقین بدان که خدای
تعالی چشم را برای آن آفریده است که چون راه روی و در پیش پای
خود نگاه کنی و هرچه ترا بدان حاجت باشد تا ملکوت آسمان نظاره
کنی و عبرت گیری و عجایب و صنایع باری عالم را مشاهده نمای خدا
وند عالم در کلام مجید خود فرموده است فاعتبروا یا اولی الابصار یعنی
عبرت گیرید ای خداوندان عقل و دیگر خداوند عالم فرموده است فانظر
الی آثار رحمت الله کیف یحیی الارض بعد موتها یعنی بنگرید آثار رحمت
خدای تعالی را که چگونه زنده میگرداند زمین را بعد از مردن یعنی میوه
اشجار و نباتات را بعد از آنکه خشک و ناچیز شده باشد گوش را برای
آن آفریده است که سخن خدا و رسول و ائمه هدی و علما را بشنوی و هرچه را
که بشنیدی عمل با آن کنند تا از برای خود زاد آخرت بسازد و سعادت
ابدی برسد و داخل اهل این بشارت گردد فبشر عباد الذین یستمعون
القول فیتبعون احسنه یعنی بشارت ده ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم
آن بندگان مرا که میشنوند قرآن را و نیکو متابعت میکنند او را و هم
[illegible] باید که گوش خود را از آن نگاه دارد خاصه از سخن

بدعت

زبان

بدعت و فحش و غیبت زیرا که شنونده غیبت چون گوینده غیبت است
چنانچه حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام فرموده است
که السامع الغیبة کاحد من المغتابین یعنی غیبت شنونده شریک است
از غیبت کننده گمان است زبان را برای آن آفریده است که ذکر خدای
تعالی را گوید و تلاوت قرآن بکنی و شکر نعمتهای خالق خود را بجا آوری
و منکر نعمت نشوی و با آن نصیحت و علم نمائی براه نمودن خلایق چنانچه
خداوند عالمیان فرموده است واذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا
تکفرون یعنی بیاورید مرا تا من یاد کنم شما را و شکر نعمتهای مرا بگوید
که رزاق شمایم کافر نشوید و کفران نعمت نکنید و حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرموده است که افضل الاذکار لا اله الا الله
یعنی فاضلترین همه ذکرها کلمه طیبه لا اله الا الله است و هرچه غیر اینها است
زبان را باید نگاه داشت خاصه از دروغ گفتن که دروغ از جمله
گناهان بزرگ است و چون به دروغ گفتن معروف و مشهور شدی هیچ
کس بر قول تو اعتماد نکند و غیبت کردن که او بدتر از زنا کردن بدتر
است چرا که زنا را توبه علاج می شود بخلاف غیبت که آن علاج پذیر

نیست مگر آنکه آنکس که غیبت او کرده حلال بکند دیگر از جدل و خصومت
کردن و بر خویشتن ثنا گفتن بود و وعده را خلاف کردن نگاه باید داشت
بلکه اگر توانی وعده با کس مکن که خلاف کردن وعده نفاق است چنانکه
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است که علامة المنافق
ثلاثة اذا حدث کذب واذا وعد اخلف واذا اؤتمن خان یعنی نشانه
منافق سه چیز است یکی آنکه چون سخن گوید دروغ گوید دوم آنکه چون
وعده کند خلاف آورد سیم آنکه چون امانت دهند خیانت کند
بیت که هر کس که گوید سخنها دروغ ⁂ دگر وعده اش را نباشد فروغ ⁂ ز
خیانت کند زانکه او ⁂ منافق بود بر خلاف دروغ شکم را باید که از حرام
خوردن و چیزهای شبهه ناک نگاه دارد و از حلال نیز اندک خورد که در
معده چون سیر شود دل سیاه گردد و حافظه تباه شود و اندام از عبادت
کردن گران شود و شهوات که لشکر شیطان است قوی گردد و گفته اند
سیر خوردن از حلال کلید همه بدیهاست پس اگر حرام بود چه گونه خواهد
شد و نگاه از حلال بعافیت است چون جامه کهنه و نان حلال
قناعت کن از نان در رمان و یقین بدان که هر گوشتی که در تن تو از حرام

بهم رسیده است بآتش دوزخ سزاوارتر است چنانکه حضرت رسول صلی
الله علیه وآله وسلم فرموده است که کل لحم انبتت من الحرام فالنار اولی
بها یعنی گوشتی که از حرام بهم رسیده پس سزاوار بود بآتش دوزخ چشم را
برای آن آفریده است که بدان امرهای مشروع کنی و وضو بسازی
برای رضای خدای تعالی و افعال نماز حج و جهاد و هر چه مناسب است
با و یکی از آنچه رضای خالق عالم در اوست و از چیزهای ناشایست
و نامشروع نگاه داری خاصه از آزردن مسلمانان و از حرام گرفتن و
در امانت خیانت کردن و بتعلیم چیزهای نامشروع نوشتن که بزبان
نشاید گفتن زیرا که قلم زبان بود بلکه عظیم تر چرا که نوشته بماند و گفته
برود و چنان بکنی که مسلمانان از دست و زبان تو در رحمت باشند
و تو از جریده مسلمین بیرون باشی چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه
وآله وسلم فرموده است المسلم من سلم المسلمون من یده ولسانه
یعنی مسلمان کسیست که آسوده باشند مسلمانان از دست و زبان او
بیت مسلمان کسی دان که حق خدا ⁂ ز دستش زبانش نیابد بلا
نه آنکس که در صبح و در شام خلق ⁂ بدست و زبانش [illegible] کنند دیگر

نگاه باید داشت از نامحرم زیرا که شهوات را خدای تعالی در بدن
انسان برای آن آفریده است که بی بعث کنی بعقد و نکاح شرعی
بامر خدا و پیروی سنت جناب محمد المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم باید که
از زنا و اعمال قبیحه فرج خود را نگاه بداری و این همه وقتی است
که چشم را از نامحرم بپوشی و دل را از اندیشه او خالی داری و از بسیار
خوردن خصوصا از حرام احتراز نمائی زیرا که بسیار خوردن شهوت
انگیزد و شهوات باعث اعمال ناشایست دیگر است پس بر نامحرم پس
اصل همه شهوات بسیر خوردن است خاصه از شبهات و زنا کردن
از عمر و مال اهل زنا سر دارد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
فرموده است که الزنا یورث الفقر یعنی زنا کردن باعث فقر و فنا است
و نیز لقمان حکیم فرزند خود را فرمود یا بنی لا تقرب فان الزنا شر
سبیل یعنی ای فرزند زنا مکن بدرستیکه هرگاه مرغ زنا کند بال
پرش فرو ریزد **آداب پاها را** برای آن آفریده است تا بجای رود که
رضای خدای عالم در آنست مثل پیروی بجهت زیارت خانه کعبه و زیارت
قبر رسول خدا و زیارت قبر ائمه معصومین و زیارت شهدا و صلحا و مؤمنین

درفتن

درفتن بمساجد و مجالس علما باید که نگاه داشت پای خود را از خانه های
ظالمان و ظالمان و حاکمان جابره و وزیران و عاملان ظالم و اهل فسق
و فجور و امثال آنها مگر بضرورت که اگر مقام ضرورت نباشد اصلا
تعظیم و توقیر آنها نکند زیرا که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
وسلم منقول است که هرکه توانگر را تواضع کند برای توانگری او
ثلثی از دین او برود چون توانگر ظالم باشد **آداب دل** برای آن آفریده
است که اعتقاد کامل کنی برآنکه خداوند این عالم در ذات و جلال
خود و در صفات کمال خود واجب است شریک و نظیر ندارد و موصوف
است بصفات کمال که آن قادر و قدیم حی است و موجود است
واجب الوجود است و قدیم ازلی و ابدی و باقی و سرمدی و سمیع
و بصیر و مدرک و مرید و کاره و متکلم عادل است و اعتقاد کنی به
آنکه جسم و جوهر و عرض و مرکب و محتاج نیست و در مکان و جهت
نمی باشد و دیدنی نیست و حلول بر وی روا نیست و اعتقاد کنی
برآنکه جناب محمد المصطفی ابن عبدالله پیغمبر است و هرچه فرستاده
اوست و اعتقاد کنی برآنکه امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب خلیفه او

والده با یا نمود و فرزند بش بدان اصل امام برحق و اوصیای مرتضی را نیز
و اعتقاد کنی بر آنکه مرگ حق است و زنده گردانید خدای تعالی مرده را
در قبر حق است و اعتقاد کنی بر آنکه سؤال منکر و نکیر در قبر حق است از خدا
و رسول و ائمه و از دین و قبله و کتاب حق است و اعتقاد کنی بر آنکه
حشر و نشر و میزان و حساب و صراط و بیرون آمدن نامه‌های اعمال و نطق
جوارح و بهشت و دوزخ و ثواب بر مؤمنان و عقاب بر کافران
و حاضر شدن اجساد در روز قیامت حق است و اعتقاد کنی بر آنکه جمیع
شرعیات چون نماز و روزه و خمس و زکوة و حج و جهاد و غیر اینها از
جانب النبی برحق است و دیگر باید که دل را از حسد و ریا و شرک و عجب
و کبر بلکه از جمیع اوصاف ناخوش پاک دارد که با این صفات ترا
هیچ قرب و منزلتی نباشد نزد خدای تعالی بلکه مقبول نباشد هیچ عمل
تو و اخبار در این باب بسیار است و ترا از آن جمله این کفایت است
که جابر انصاری علیه الرحمة گوید از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
شنیدم که با اصحاب خود می‌فرمود که شما را چیزی آموزانم که اگر نگاه
داشتید [illegible] شما را سود بخشید و اگر ضایع گذارید شما را [illegible]

دعوز

و عذر بود نزد خدای تعالی و خداوند عالم را صفت فرشته‌ای که [illegible]
بیان فرموده است کرام الکاتبین است نگاه دارنده عمل بنده که آن را
بالا برند تا شب که آنگاه عمل بنده را بیرون ببرند به آسمان و چون به آسمان اول
برسانند فرشته که در آسمان اول دربان است گوید که این عمل را
برگردانید و بر روی خداوندش بزنید که من فرشته غیبتم حق تعالی امر فرموده
است کسانی که غیبت مردم را کرده باشند نگذارم که عمل او را از من
بگذرانند و چون کرام الکاتبین عمل بنده دیگر را که غیبت نکرده باشد
ببرند به آسمان دوم برسانند فرشته که به آسمان دوم دربان است
گوید که برگردانید این عمل را بر روی خداوندش بزنید که مراد صاحب
این عمل محض از برای دنیا بوده نه از برای رضای خدای تعالی و خدا
وند عالم مرا فرموده است این چنین عمل را نگذارم که از من بگذرانند
به بالا برسانند پس عمل بنده دیگر را ببرند که از برای دنیا نبوده است
و نور او [illegible] تا به [illegible] ببرند از صدقه و نماز و روزه و چون به آسمان سیم
برسانند فرشته که به آسمان سیم دربان است گوید که این عمل را
برگردانید و بر روی خداوندش بزنید که من فرشته کبرم [illegible]

این عمل در مسجدها و مجلسها در میان مردم بکبری میکرد مرا دستوری نیست
که بگذارم عمل او را از من بگذرانید پس عمل بنده دیگر را ببرند که تکبر نه
کرده است چون ستاره درخشان از تسبیح و نماز و حج و عمره و غیره
و چون باسمان چهارم برسانند فرشته که باسمان چهارم دربانی است
گوید که این عمل را ببرید و بر روی خداوندش بزنید که من فرشته
عجبم نمیگذارم که عمل او از من بگذرد زیرا که او هیچ کاری نکرده است
که عجب میان او نبوده باشد پس عمل بنده دیگر را ببرند که عجب
نداشته است چون عروس آراسته چون باسمان پنجم برسانند
فرشته که باسمان پنجم دربانی است گوید که عمل را ببرید و بر روی
خداوندش بزنید که من فرشته حسدم و صاحب این عمل حسود
است من نمیگذارم که عمل او از من درگذرد پس عمل بنده دیگر را که حسود
نیست ببرند چون ماه روشن از نیکوی و چون باسمان ششم برسانند
فرشته که باسمان ششم دربانی است گوید که این عمل را برگردانید و بر روی
خداوندش بزنید که من فرشته رحمم و صاحب این عمل را رحم نیست
هرگز بر کسی رحم نکرده است و چون بر کسی رنج و بلا دیدی شاد گشتی

پیش

پیش می آمد او خوشحال می شد و شادکامی میکرد من نمیگذارم که
عمل او از من درگذرد پس عمل بنده دیگر را که با رحم نیست ببرند گرد
تسبیحات او چون آفتاب میباشد از زهد و ورع و صد هزار فرشته
همه تابعت او اند چون باسمان هفتم برسانند فرشته که باسمان
هفتم دربانی است گوید که برگردانید این عمل را و بر روی خداوندش
بزنید که من فرشته ریایم باز دارم هر عملی را که خالص از برای رضای
خدای تعالی نباشد و ریایی باشد و صاحب این عمل بسبب عمل
بزرگی در میان مردم می جست و غرضش در میان خلایق نیک
نامی بود خدای تعالی فرموده که من نمیگذارم هر عملی که خالص نباشد
و از برای او هم نباشد و ریا باشد خدای تعالی عمل ریایی را هرگز
قبول نخواهد کرد پس عمل بنده دیگر را که ریایی نیست ببرند و از
آسمان هفتم درگذرانند چون ماه تابان و همه آسمانها از نور او
روشن گردد و همه فرشتهای آسمانها از عقب او میروند تا از همه
حجابها درگذرانند و بخدای تعالی عرض میکنند و همگی گواهی میدهند
که این عمل خالص است پس خدای تبارک و تعالی میفرماید که ای

در شما که کلان من هر چند شما بظاهر حافظ و نگه بان بنده من بوده
اما در باطن من بقلب این بنده مطلع بوده ام که این عمل را برای من
نکرده است و این در نزد من مقبول نیست و بر صاحب این عمل باد
لعنت من باد شما و هر که در آسمان و زمین است پس اصحاب عرض
کردند که یا رسول الله فدای تو شما شوم پس چه گونه عمل را بجا آوریم که
در نزد حضرت ذو الجلال قبول شده و شایسته درگاه او باشد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که شما بمن اقتدا
کنید اگرچه عمر شما کوتاه باشد و زبان خود را نگاه دارید و بر گناه
خویش و از کرده های خویش پشیمان باشید و بر خود ثنا مگویید
و خود را بهتر مدارید و کار دنیا را در میانی کار آخرت میندازید و
در نشستن تکبری مکنید و غیبت مردمان مکنید و بر مردم حسد مبرید و
حرام شبهه نخورید و در پیش مردمان راز مگوئید صحابه عرض کردند
یا رسول الله صلی الله علیه و آله ازین خصلتها که رهای یابد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ای صحاب من این آن است
بر هر که خدا آسان کرده اند پس این صفات که در حدیث مذکور شد

از عجب

از عجب و کبر و غیر آن بود هر کس قبول نشود الّا کسی که بار حسابی کند یا
علم آموخته برای جاه دنیا و قبول عالمیان نیست و واجب و لازم بود که
دایم طهارت دل باشی و باطن تو همه پلیدها پاک کرده و اصل این پلیدها
همه دوستی دنیا بود چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرموده است که حب الدنیا رأس کل خطیئة یعنی دوستی دنیا سر همه
خطاهاست و بدانکه دنیا کشت زار آخرت است چنانچه حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است الدنیا مزرعة
الآخرة یعنی دار آخرت که دنیا باید گرفت که دنیا کشت زار
آخرت است عمل را چنانی می بینند خدای تعالی را که خالص بود از
عجب و از حسد و دیگر خواهی با کسی دوستی کنی باید که پنج خصلت داشته
باشد اوّل عاقل که صحبت احمق خیر نبود دوم عاقبت و حسن و خلق
بود چنانچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده عدو عاقل
خیر من صدیق جاهل یعنی دشمن عاقل بهتر است از دوست نادان ؛
دوستی با مردم دانا نکوست ؛ دشمن دانا به از نادان دوست ؛ دشمن
دانا نیازارد ترا ؛ پس بیازار دیده نادان کیست ؛ بعید که دیده

خوبان گویند کاران رفاقت نکنی و بپرهیزی از آمیزش و آشنایی ایشان

بیت ای برادر بیکر بیز از یار بد : یار بد بدتر بود از مار بد : مار بد تنها تو را بر جان زند : یار بد هم جان هم ایمان زند دویم باید که نیکو خوی باشد که با بد خوی صحبت دشوار بود و بدخوی آن باشد که در وقت خشم و حرص با خویش بر نیاید باید که با کسی به نشینی و صحبت داری که در وقت نشستن و برخواستن آسایش دینی و دنیای تو باشد و بوقت کار افتادن شحنه تو باشد و بوقت حاجت خازنه تو باشد و اگر سخن گوی تو را راست گو داند و اگر صعب پیش تو آید خود را اسیر تو سازد و رنج خویش را برای ضعف تو اختیار کند و اگر راحتی پیش تو آید بر تو ایثار کند سیم باید که صالح باشد زیرا که با هیچ فاسق و مفسد دوستی نباید کرد بسبب آنکه فاسق از خدا نترسد پس از وی ایمن نتوان بودن و چون غرض وی بکردد دوستی نیز بگردد و هر که از خدای تعالی نترسد با هیچ کس مدارا نکند چهارم باید که راست گوی باشد از صحبت داشتن دروغ گو کار اما نمی بینی و هرچه گوید بر آن اعتماد نکنی اگرچه راست باشد پنجم

باید

باید که به دنیا حریص نباشد که صحبت اهل دنیا مانند زهر قاتل است هر که با زاهدان نشیند رغبت دنیا در دل او سرد می شود و طاعت بیفزاید و هر که با دنیا پرست نشیند رغبت دنیا در دل او شیرین گردد که طبع آدمی به دیگری مانند است و دستور است که یکی بسته باشد و دیگری خر و در یک جا به بندند اگر هم رنگ نشود اما هم خوی باشد بیت هر که با جوانان نشیند هم جوان شود : با خردمندان نشیند تا خرد افزون شود : گربه هندی است تا زیر از ماری پیش خر : رنگشان ار هم گون نگردد طبع شان هم گون شود : تمت الكتاب بعون الله تعالی

فی ۲۲ شهر ذو القعده الحرام

۱۲۳۴

این نوشتم تا بماند یادگار
من نمانم خط بماند روزگار

این نوشتم تا بماند یادگار
من نمانم خط بماند روزگار

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
خداوند بخشنده دستگیر کریم خطا بخش و پوزش پذیر
عزیزی که از درش سر بتافت بهر در که شد هیچ عزت نیافت
سر پادشاهان گردن فراز بدرگاه او بر زمین نیاز
نه گردن کشان را براند بفور نه عذر آوران را براند بجور
دو کونش یکی قطره در بحر علم گنه بیند و پرده پوشد بحلم
وگر خشم گیرد بکردار زشت چو باز آمدی ماجرا در نوشت
وگر با پدر جنگ جوید کسی پدر بیگمان خشم گیرد بسی
ولیکن خداوند بالا و پست بعصیان در رزق بر کس نبست
وگر بنده چابک نباشد بکار عزیزش ندارد خداوندگار

